

جواد بشری
j.bashary@ut.ac.ir

پابریگ (۱۶)

۱۰۱-۱۳۲

جواد بشری

چکیده: نوشتار حاضر، سیزدهمین شماره از سلسله انتشاراتی است که بر یافته های تاریخ ادبیاتی، متن شناسی و نسخه شناسی تمرکز دارد. برخی از منابع معرفی شده و مطالب مطروحه در این شماره به شرح ذیل است:
دو دستنویس پراهمیت فارسی در پاکستان
نسخه کهن تذکرة الالباء مورخ ۶۹۵ ق و مثنوی معنوی از سال ۸۰۰ ق
دو غزل قدیم در منابع کهن شعری فارسی
تفسیرناشناخته فارسی مورخ ۸۹۷ ق در کتابخانه ملی عشق آباد
غزل هایی از «دردزد استرابادی»
دو منظومه فارسی کتابت شده به دست مصطفی طربزونی در کوتاهی
چند نمونه دیگر از کتابت های علی اکبر فیض قمی
«ممدوحین شیخ سعدی»، و مساهمت یغمایی در مطالعات سعدی شناسی قزوینی
فهرست اهداکنندگان کتاب به کتابخانه دولتی تربیت در تبریز

کلیدواژه: تاریخ ادبیات، متن شناسی، نسخه شناسی

— Pābarg (Small Notes) 16

By: Javād Bashari

Abstract : The present paper is the sixteenth paper which focuses on the findings related to the history of literature, textology, and codicology. Some of the introduced sources and provided information are as follows:

Two very important Persian handwritten notes in Pakistan.

An old manuscript of *Tazkirat al-Awliya* dated 695 A.H. and Masnavi dates 800A.H.

Two old ghazals in the ancient sources of Persian poetry.

An anonymous Persian interpretation dated 897 A.H. in the National Library of Eshq Ābād.

Some Ghazals by Dordzud Istarābādi

Two Persian collection of poems written by Mustafa Tarbazooni in Kootahiya

Some more samples of Ali Akbar Feiz Qomi's works.

«Sa'di's Praisers», and Yaghmaie's participation in Qazvini's studying about Sa'di.

The list of the book donors to Tarbiat State Library in Tabriz.

Key words: The History of literature, textology, codicology.

— هوامش (۱۶)

جواد بشری

المخالصة: المقال الحالي هو الحلقة ۱۶ من سلسلة مقالات تتمحور حول ملاحظات للكاتب عن تاريخ الآداب والنصوص والنسخ الحظية.

والحلقة الحالية تتضمن استعراضاً لعددٍ من المصادر وبعض الملاحظات النقدية عليها، وهي:

۱. مخطوطتان حول مكانة اللغة الفارسية في باكستان.

۲. نسخة قديمة من تذكرة الأولياء تعود لسنة ۶۹۵ هـ، وأخرى لمثنوي معنوي تعود لسنة ۸۰۰ هـ.

۳. مقطعان من الغزليات القديمة في المصادر الشعرية الفارسية القديمة.

۴. أحد التفاسير الفارسية غير المعروفة، يعود تاريخه لسنة ۸۹۷ هـ ويوجد في مكتبة عشق آباد الوطنية.

۵. مقاطع غزلية من نظم (دردزد الأسترابادي).

۶. منظومتان فارسيتان منسوختان على يد مصطفی طربزوني في کوتاهیة.

۷. بعض النماذج الأخرى من كتابات علي أكبر فيض القمي.

۸. (ممدوحين الشيخ سعدی) ومساهمة الیغمائی في دراسات القزويني لأشعار سعدی.

۹. فهرست المساهمين في إهداء الكتب إلى مكتبة التربية الحكومية في تبريز.

المفردات الأساسية: تاريخ الأدب، النصوص، علم المخطوطات.

پابگ ۱۶

۱. دو دستنویس پراهمیت فارسی در پاکستان

در مقاله پراج «چیده چیده از سفر پاکستان»، بخش دوم، از استاد ایرج افشار، که در سال ۱۳۵۳ منتشر شد^۱، دو دستنویس گران قدر فارسی معرفی شده که از حیث مطالعات شعرشناسی و نیز تاریخ ادبی، حائز اهمیت است. امید است کسانی بتوانند با تهیه تصویر این دستنویس ها، مطالب موجود در آن ها را به مطالعات ایران شناسی وارد کنند.

یکی از این دو، دستنویسی از کتاب تاج المآثر، در موضوع تاریخ غوریان و امرای هند، به فارسی، اثر شناخته شده ای از حسن نظامی نیشابوری است که اصل اثر در اوایل سده هفتم هجری پدید آمده و اکنون پس از چاپ حروفی آن، از شهرت بیشتری نیز برخوردار شده است^۲. به گزارش ایرج افشار، این دستنویس «به خط نسخ خوبی است و در شمسۀ آراسته صفحه آغازین آن گفته است که در ۷۷۴ در تبریز نوشته شده است و نام «ملک ابوطاهر مطهر بن عبدالله بن الحسنی ثم الحسینی» در آن دیده می شود»^۳. دستنویس در زمان نگارش گزارش مزبور، متعلق به حکیم محمد نبی جمال سویدا بوده است. نکته حائز اهمیت که اینک بایستی بر آن تأکید ورزید، شناخته بودن مطهر حسینی حسینی است. این فرد، به احتمال بسیار، کسی جز معزالدین ابوطاهر مطهر بن عبدالله بن علی الحسنی الحسینی نیست که خوشبختانه اطلاعات مهم و اسناد دست اولی از حیات و سروده ها و آثارش در دست داریم^۴.

دستنویس بعدی که بایستی به اهمیت آن در مطالعات شعرشناسی و سفینه پردازی تأکید ورزید، نسخه یک سفینه کهن به خط فردی شیرازی، از اواخر سده هفتم هجری است که استاد افشار آن را در کتابخانه دانشگاه (= «دارالعلوم») پیشاور/ پشاور دیده و درباره آن نوشته است: «عجائب الاشعار: از مسلم بن محمود شیرازی، مؤرخ سال ۶۹۰ که جنگواره ای است و امیدوارم اگر احمد گلچین معانی با تتبع و تسلطی که درین نوع تألیفات دارد و این اثر را می شناسد چند سطر دربارۀ آن بنویسد». وی توضیح داده که در بازدید از دانشگاه پیشاور، به این نسخه و چند نسخه دیگر، از پشت ویتترین شیشه ای (شیشه آینه) نگریسته و برخی موارد را به لطف کتابدار عزیز آنجا بدون واسطه شیشه نیز دیده است^۵. تاکنون گویا هیچ اطلاع دیگری جز این سطور، درباره این دستنویس و محتویات آن منتشر نشده و اگر کسی بتواند به بررسی دقیق آن توفیق یابد، شاید دانسته های کنونی درباره اوضاع ادبی ایران، به ویژه فارس، که کاتب آن نسبت «شیرازی» دارد، تکمیل گردد. آیا از سعدی نیز که در سال ۶۹۰ ق احتمالاً هنوز زنده بوده، در این منبع شعری هست؟

۱. «چیده چیده از سفر پاکستان (معرفی سی و شش نسخه خطی) - بخش دوم»، صص ۱۵۶-۱۶۱. در این گزارش، چند دستنویس بسیار کهنه و کم نظیر عربی و برخی آثار پراهمیتی که مجال اشاره به آن ها نیست، گزارش شده است که افشار، و دانش پژوه، با همه نفوذی که در مراکز ایران شناسی و گنجینه های خطی، در دوران مدیریت کتابخانه مرکزی و رونق دادن به بخشی خطی و میکروفیلم های این مرکز، داشتند، توفیق نیافتند تصاویر آن ها را تهیه کنند؛ و این نبوده است، جز احتمالاً به سبب همراهی نکردن کتابخانه های پاکستانی در عرضه صحیح منابعشان به محققان و جویندگان، که تا به امروز ادامه دارد.

۲. تاج المآثر، رک: بخش منابع.

۳. «چیده چیده از سفر پاکستان (معرفی سی و شش نسخه خطی) - بخش دوم»، ص ۱۵۹.

۴. برای گزارشی از دانسته ها و کشفیات دوست دانشمند، استاد بهروز ایمانی، پیرامون حیات و آثار او، و جدایی وی از مطهر که از شاعران دربارهای هند و صاحب دیوان اشعار فارسی است، رک: یتیمه الدرر و کریمه الفقر، صص ۹۹-۱۳۰.

۵. «چیده چیده از سفر پاکستان (معرفی سی و شش نسخه خطی) - بخش دوم»، ص ۱۵۷.

۲. نسخه کهن تذکرة الاولیاء مورخ ۶۹۵ق و مثنوی معنوی از سال ۸۰۰ق

سید محمد توفیق همدانی، از ادبا، زبان دانان، روزنامه نگاران، فعالان سیاسی و مجموعه داران پرکار ایرانی در خاک عثمانی در قرن نوزدهم و بیستم میلادی است که در طول حیات خویش در برهه حساسی از تاریخ سیاسی عثمانی و جهان اسلام فعالیت کرده است.^۶ یکی از وجوه اهمیت این رجُل سیاسی، علاقه شدید او به کتاب های شرقی و گردآوری نسخه های خطی است. به طوری که براساس برخی اسناد، می توان دریافت که وی در اوایل قرن بیستم میلادی به عنوان یک خبره کتابشناسی و نسخه شناسی شناخته می شده و برای ارزش گذاری آثار نفیس ایرانی به وی مراجعه می کرده اند. در برخی از منابع آمده که توفیق همدانی به دستگاه سلطان محمد خامس (پنجم) عثمانی (حک. ۱۳۲۷-۱۳۳۶ق)، خلیفه پس از سلطان عبدالحمید دوم، اجناس آنتیک و نسخه های هنری معرفی می کرده و در یک مورد، دستنویسی نفیس از مثنوی معنوی به خط وصال شیرازی، دستنویسی از دیوان حافظ به آقا فتحعلی شیرازی و چند دستنویس دیگر را برای فروش، به دستگاه خلافت (دربار) عثمانی عرضه نموده که البته مورد قبول نیفتاده است. او در سال هایی که چنین اموری را نیز به تفاریق انجام می داده، مدیریت مدرسه (دبستان) ایرانیان را در استانبول بر عهده داشته و به «آقای مدیر» نامبردار بوده است.^۷ کتابخانه نخست وی، در حریق خانمان سوزی که در سال ۱۳۲۷ق / ۱۲۸۸ش / ۱۹۰۹م بخش وسیعی از قسمت آسیایی استانبول را فراگرفت، نابود شد یا دست کم آسیب جدی دید.^۸ کتابخانه دیگری که وی گرد آورد، بایستی متعلق به پس از این دوران بوده باشد. مجموعه ای که به هر دلیل، به سال ۱۳۴۵ق / ۱۹۲۷م [۱۳۰۵-۱۳۰۶ش]، سیاهه ای از آن را به نیت فروش منتشر کرد و نسخه ای از آن سیاهه چاپ سربی شده در ۴۲ صفحه قطع رحلی، اینک در گنجینه کتاب های دانشکده ادبیات تهران نگهداری می شود، و همان است که اخیراً به صورت افست، به ضمیمه کتابی پیرامون توفیق همدانی چاپ شده و در اختیار قرار دارد.^۹ بخش اصلی این فهرست، در بردارنده کتاب های چاپی مهمی است که توفیق از سراسر دنیای عهد خویش فراهم آورده بوده است. اما در انتها، چند دستنویس نفیس نیز معرفی شده که نشان می دهد وی با اندوخته مالی خویش، چند نسخه خطی نیز ابداع کرده و در سال مزبور آن ها را برای فروش گذاشته است. دستنویس هایی با تاریخ های کهن یا دارای نفاست و ارزش خاص در میان این نسخه ها معرفی شده است، از جمله: تذکرة الاولیاء عطار، مورخ ۶۹۵ق؛ مثنوی معنوی، مورخ ۸۰۰ق، مذهب با کاغذ و جلد اعلا؛ دیوان صائب، مورخ ۱۰۶۸ق؛ مجموعه ای شامل انیس العشاق شرف الدین رامی و رساله ای از عبید زاکانی، مورخ ۸۹۴ق؛ دیوان شوکت بخاری، مورخ ۱۱۲۳ق؛ الهی نامه عطار، مورخ ۸۷۴ق.^{۱۰} از سرنوشت این مجموعه و دستنویس های آن اطلاعی در دست نیست و فایده آن این است که از وجود یکی از دستنویس های کهن تذکرة الاولیاء، مورخ ۶۹۵ق

۶. درباره فعالیت های ایرانی همدانی (از خویشان و هم تباران سیدجمال اسدآبادی) که در «بصره» (از خاک عثمانی) ولادت یافت، در

عرضه های سیاسی و اجتماعی تاریخ ترکیه و ایران معاصر، رک: توفیق، روزنامه نگار و مجموعه دار ایرانی در استانبول، صص ۱۹-۵۲.

۷. خاطرات ابوالقاسم کسمانی، صص ۱۶۵-۱۷۰؛ توفیق، روزنامه نگار و مجموعه دار ایرانی در استانبول، صص ۶۰.

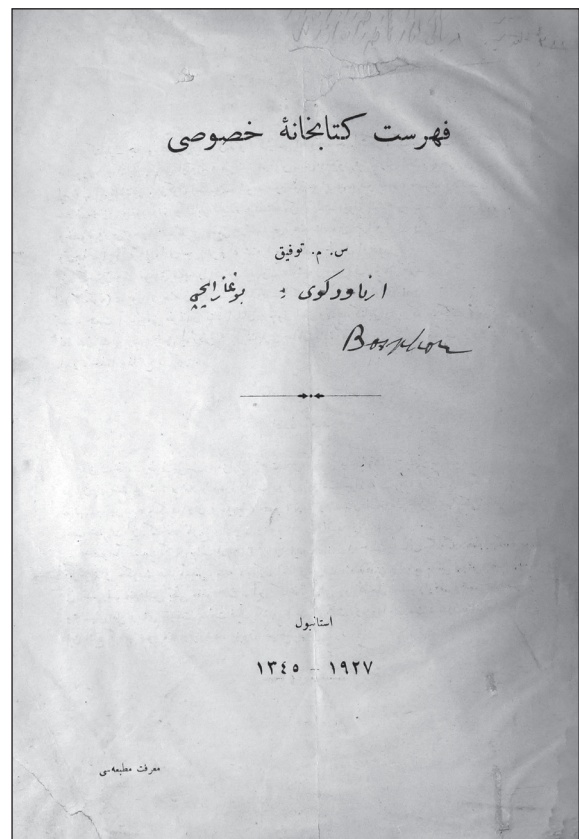
۸. توفیق، روزنامه نگار و مجموعه دار ایرانی در استانبول، صص ۵۶.

۹. همان، صص ۱۱۷-۱۶۲. این فهرست چاپ شده را حسین کاظم زاده ایرانشهر از برلین، برای علامه محمد قزوینی به پاریس، به تاریخ ۱۲۸ اکتبر ۱۹۳۰م ارسال کرد و تاجایی که می دانیم و در حد فحوصی که در کتابخانه های ایران (از طریق بانک های اطلاعاتی مجازی کتابخانه های ایران)، ترکیه و نیز شماری از کتابخانه های اروپا (به واسطه لطف برخی دوستان) صورت گرفت، اینک تنها نسخه موجود از این فهرست / سیاهه به شمار می رود که به واسطه روحیه مجموعه داری علامه قزوینی، برجای مانده و حفظ شده است.

۱۰. همان، صص ۵۷ و ۱۶۰. آیا دستنویس اثری با عنوان «رازنامه» هم که موضوع «مناجات» در نظر گرفته شده، می تواند ارتباطی با ترجمه ترکی کتاب مفتوح القلوب، در موضوع فال حافظ، داشته باشد؟ البته در صورتی که توصیف توفیق در این فهرست، با تسامح یا اساساً با خطا صورت گرفته باشد، کما این که در چند مورد خطاهای فاحشی دارد، بعید نیست او دستنویسی از کتاب مزبور را معرفی کرده باشد.

و مثنوی مورخ ۸۰۰ق، که حدود یک قرن پیش در خاک عثمانی قرار داشته، اطلاعی هرچند مختصر به دست می‌آید. دستنویس‌های معتبری از تذکرة الاولیاء که تاریخ کتابت آن‌ها متعلق به پیش از ۷۰۰ق باشد اینک در اختیار است که اثبات می‌کند این دست نسخه‌ها از این اولیانامه مشهور با قدمتی از این محدوده زمانی، چندان نایاب نیست. این دستنویس نیز در شمار همان موارد قرار می‌گیرد.

کتاب	ع. ق	ع. ق	ع. ق	مخطوطات	ملاحظات
کشف‌الغمة	۱	ف	تاریخ	خطاط غیر معلوم	۱۹۰۱ خط و جلد بسیار اعلی
دیوان نثر و نظم	۱	د	ادب	•	۱۳۳۷ مذهب ویا کاغذ ترمه و جلد آتیک
عقداالدرر و نقدالترر	۱	ع	•	من کلام سیدنا علی علیه السلام	۱۱۱۵ خط و جلد و تذهیب
چهار دیوان در کججد	۱	ف	•	ناصر خسرو دهلوی، جامی، صادقی، شاهی	خط و جلد و کاغذاعلا
دیوان	۱	د	•	صائب تبریزی	۱۰۶۸ خط و جلد و کاغذ و تذهیب
•	۱	ت	•	شانی زاده وقعه نویس	۱۳۴۳
•	۱	د	•	غنی روی	•
•	۱	ف	•	شوکت بخارایی	۱۱۲۳
•	۱	ت	•	باقی	•
•	۱	ف	•	حافظ: خط حسین بن محمد شیرازی	•
یوسف زلیخای	۱	د	•	ملا جامی	•
سیحة الارواح و تحفة الاحرار	۱	د	•	تصوف ملا جامی	کاغذ عالی و جلد آتیک
نهالستان	۱	ت	•	ادب	۱۱۲۷ و تذهیب قیسی
آیس المشاق	۱	ف	•	حسین بن محمد القابلی الشرف الرامی	۸۹۴ هر دو در کججهداست
رسالة جامع الصفة	۱	د	•	عبد زاکانی	• هر دو در کججهداست
یوسف ذلیخا	۱	ت	•	ترکجه به ترجمه ایدلشدر	•
واز نامه	۱	د	•	مناجات	۱۰۲۶
الشیی نامه	۱	د	•	تصوف فریدالدین عطار	۸۷۴
روسة الشهداء	۱	د	•	تزیین حسین و اعظ کاشفی	•
مثنوی	۱	د	•	تصوف ملائی روم	۸۰۰ صحیفه مذهب با کاغذ و جلد اعلی
تذکرة الاولیاء	۱	د	•	فریدالدین عطار	۶۹۵
مصاحبا الخوات	۱	د	•	ادب فریدونی	۱۳۰۹ صحیفه مذهب سرب
تعبیر رؤیا و نام	۱	ع	•	تعبیر عبدالنقی الباقلی	۱۳۳۳ کاغذ نفیس خط زیخوب و جلد اعلی
لغت	۱	د	•	لغة	۵۰۰ صحیفه
حل لغات مغولی	۱	ت	•	المسی (پاروشته)	۳۵۰ صحیفه
القرآن الکریم	۱	م	•	مصحف	•
الجامع الصحیح	۱	ع	•	حدیث الامام محمد بن اسمعیل البخاری	۱۱۱۴ ورق و خط و جلد عالی الدال



۳. دو غزل قدیم در منابع کهن شعری فارسی

نخست به غزلی در دیوان سیف فرغانی، شاعر سده هفتم هجری، اشاره می‌شود، به این مطلع:

روز عمرم بزوال آمد و شب نیز رسید
شب هجران ترا خود سحری نیست پدید^{۱۱}

در سده هشتم، مصرعی از این غزل، آگاهانه یا شاید ناخودآگاه، به غزلی از سلمان ساوجی راه یافته است:

نیست آرام دل آن را که دل آرامی هست
خرم آن دل که درو صبری و آرامی هست...
شام هجران ترا خود سحری نیست پدید
صبح آتید مرا هر نفسی شامی هست^{۱۲}

این‌که سلمان این مصرع را از سیف فرغانی به وام گرفته یا هر دو آن را از شعر دیگری برداشت کرده باشند، نیازمند واکاوی دقیق منابع شعری پیش از سده هشتم هجری است. در رساله «حکایت بیدلان یا داستان پادشاهزاده شهر حماة» از محمد بن محمود زنگی بخاری (زنده در ۷۱۳ق) که اشعار فارسی بسیاری در آن وجود دارد، غزل زیر دیده می‌شود:

شب اندوه مرا خود سحری نیست بدید
آه شبگیر مرا هم اثری نیست بدید
این همه آب که از چشمه چشمم دادم
شاخ او مید مرا بار و بری نیست بدید
بردر صبرنشستیم ولی بردر ما
بخت برگشته ما را گذری نیست بدید
با غم و محنت و اندوه چه تدبیرکنم؟
نیک بیچاره شدم چاره بری نیست بدید

مونس، هم‌نفسی کو نفسی نیست جدا
بجز از غم دل ما را دگری نیست بدید
روز و شب خون خورم و چون نخورم زانک
از لب چشمه عیش آب خوری نیست بدید

۱۱. دیوان سیف فرغانی، ص ۶۱۳.

۱۲. دیوان سلمان ساوجی، صص ۳۸۷-۳۸۸.

در چنین ورطه که هستم من بیچاره هنوز
بجز او مید مرا عشوه‌گری نیست بدید
چکنم، جان و دل خسته هدف ساخته‌ام
زانک پیکان قضا را سپری نیست بدید
نظر مرحمت از خلق چه داری ای دل
هم‌همی ساز که اهل نظری نیست بدید^{۱۳}

این احتمال هست که سیف فرغانی، و یا سراینده ناشناس غزل موجود در رساله محمد زنگی بخاری، صاحب این مصرع به شمار آیند، و دیگران آن را از یکی از این دو اخذ کرده باشند. همچنین شاید بتوان حدس زد که این مصرع، از ترانه یا «قول» (تصنیف) مشهوری در اذهان سراینندگان سده هفتم و هشتم هجری باقی بوده که آن را در اشعار خویش به کار می‌بسته‌اند.

غزل دیگر، از «دیوان کبیر» (کلیات شمس) چاپ بدیع‌الزمان فروزانفر به نام مولاناست، که تاکنون یک بار به دقت موضوع فحص علمی قرار گرفته و همچنان ابیاتی از آن در برخی منابع یافت می‌شود. از این رو مرور پرونده این شعر با بیان چند نکته جزئی دیگر، خالی از فایده نخواهد بود. مطلع غزل چنین است:

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد
نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد^{۱۴}

می‌توان به قطعیت اعلام کرد که از میان دستنویس‌های مشهور «دیوان کبیر» که مورد استناد استاد فروزانفر و محققان پس از او در ایران قرار گرفته، این شعر تنها در صفحاتی پس از اتمام صفحه پایانی دستنویس محفوظ در موزه مولانا در قونیه، مورخ ۷۷۰ق، کتابت شده و مطالب موجود در آن صفحات به هیچ وجه، به قدمت و اصالت اوراق اصلی دستنویس نیست^{۱۵}. این غزل، در یکی از منابع متقدم شعری فارسی، به نام سراینده‌ای با تخلص «مطعی» آمده است، هرچند این منبع، صورت کامل غزل را، به

۱۳. زنگی‌نامه، ص ۲۰. واژه پایانی هربیت، در نسخه اصل دقیقاً و واضحاً «بدید» است (تصویر صفحه‌ای که این غزل در آن قرار دارد، بعینه آورده خواهد شد). این دستنویس که به خط مؤلف و نسخه اصل است، تردیدی باقی نمی‌گذارد که واژه «بدید» در آن روزگار، مانند تمامی ادوار زبان فارسی از ابتدا تا حدود سده نهم هجری، قطعاً با «ب» آغازین یک نقطه کتابت و به تبع آن احتمالاً تلفظ می‌شده است.

۱۴. کلیات شمس، ج ۲، صص ۲۳۷-۲۳۸.

۱۵. این دستنویس، به صورت نسخه برگردان (چاپ فکسیمیله) در تهران منتشر شده و برگ مربوط به این غزل، در این چاپ قابل رؤیت است (دیوان کبیر، کلیات شمس تبریزی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی موزه مولانا در قونیه، ص ۵۹۹).

است. همچنین در تعلیقه مزبور اشاره پراهمیتی به غزلی از صائب شده که در آن، با تصریح به این که این شعرا متعلق به «عارف روم» (مولانا) می دانسته، مصرعی از آن را عیناً در شعر خویش گنجانیده است.^{۲۲} اینک می دانیم که «روضه الناظر» اثر کاشی، از منابع پرارزش شعری متعلق به نیمه نخست سده هشتم هجری، نیز ابیاتی از همین شعرا با انتساب به بوعلی سینا، در خورد دارد. همچنین در «جنگ مهدوی»، از سده هشتم هجری، نیز ابیاتی از آن دیده می شود.^{۲۳} لاهجی در اوایل سده دهم هجری نیز ابیاتی از آن را استفاده کرده است.^{۲۴} حاصل این که این شعرا - که در گذشته از شهرتی برخوردار بوده و بارها در سفینه ها و جنگ ها نقل شده - اینک می توان با قطعیت بیشتری از غزلیات مولانا جدا کرد، هر چند در انتساب آن به سراینده اصلی شعر، همچنان تردیدهایی وجود دارد و روشن نیست که متعلق به «بوعلی قهستانی» است یا «مطلعی». اگر از بوعلی قهستانی باشد، می توان چنین پنداشت که گویا مبنای کسانی که آن را از ابن سینا دانسته اند، مأخذی بوده که شعرا به نام همین قهستانی در خود داشته، و چون بوعلی قهستانی در قیاس با بوعلی / ابن سینا، شهرتی نداشته، جامعان سفاین و مجموعه های ادبی را بر آن داشته که آن را به نام بوعلی سینا رواج دهند. اما اگر شعرا از مطلعی باشد، درباره هویت او

آن شکلی که در برگه از نسخه دیوان کبیر موزه مولانا آمده، در خود ندارد. منبع مزبور، انیس الوحده و جلیس الخلو، از گلستانه، از آثار سده هشتم هجری، است که چاپ مغلو و بسیار پراشکالی از آن شده است. در باب هشتم از انیس الوحده، که در موضوع قناعت و حرص و طمع و ترک دنیا است، در بخش اشعار فارسی، آمده است: «مطلعی، فی ترک الدنیا:

اگر دل از غم دنیا جدا توانی کرد
نشاط و عیش به باغ بقا توانی کرد
ز منزلت هوس گردو گام پیش نهی
نزول در حرم کبریا توانی کرد
وگر به آب ریاضت برآوری غسلی
همه کدورت دل را صفا توانی کرد
ولکن این سخن^{۱۶} رهروان چالاکست
توانانین جهانی کجا توانی کرد
چو مطلعی بیساز خلق و گوشه ای بگزین
مگر که خوی دل از خلق و توانی کرد»^{۱۷}

این شعر در «کتاب الکشکول»، از شیخ بهاء الدین عاملی، نیز با انتساب به شیخ رئیس ثبت شده است.^{۱۸} یک بیت دیگر که در هیچ یک از دو منبع اخیر، یعنی دیوان کبیر و انیس الوحده، نیامده، در جنگ یتیمه الدرر و کریمه الفقر، دیده می شود^{۱۹} که مورد توجه دوست دانشمند، بهروز ایمانی قرار گرفته است.^{۲۰} یکی از دقیق ترین تتبع ها درباره شعر حاضر، در تعلیقه مفید استاد شفیع کدکنی بر این غزل، در چاپ اخیر «غزلیات شمس تبریزی» (گزینش دو جلدی)، ظهور یافته که درباره وجود ابیاتی از آن در «انیس الوحده»، «جنگ لالاسماعیل» (مورخ ۷۴۱-۷۴۲ ق)، کشکول شیخ بهایی، و نیز در باب واحد بودن مأخذ آن در نسخه های دیوان مولانا (نسخه «فد» از دیوان کبیر، همان نسخه موزه مولانا در قونیه)^{۲۱} سخن رفته

۱۶. انیس الوحده، چاپی؛ ولیکن این صفت.

۱۷. انیس الوحده و جلیس الخلو، نسخه کهن کتابخانه مرعشی، ۸۱ ب - ۸۲ الف؛ همان، چاپی، صص ۱۱۵-۱۱۶. کوشنده چاپ، تخلص شاعر را در بیت پایانی، به تشدید «ط» و به صورت «مطلعی» خوانده و خطای وزنی ناشی از این تشدیدگذاری را، با حذف «ای» از کلمه «گوشه ای» به تصور خود حل کرده است!

۱۸. چنین است عنوان شعر در چاپ سنگی مشهور نجم الدوله (ص ۴۴۱): «مما ینسب إلى الشیخ رئیس».

۱۹. یتیمه الدرر و کریمه الفقر، صص ۶۸-۶۹.

۲۰. «کاغذنامه»، صص ۱۷-۱۸.

۲۱. چنین است محل نگهداری صحیح نسخه، و نه مجموعه «نافذ پاشا». دلیل آن که استاد فروزانفر این دستنویس را با رمز «فد» مشخص کرده شاید آن باشد که تصویر آن را از طریق

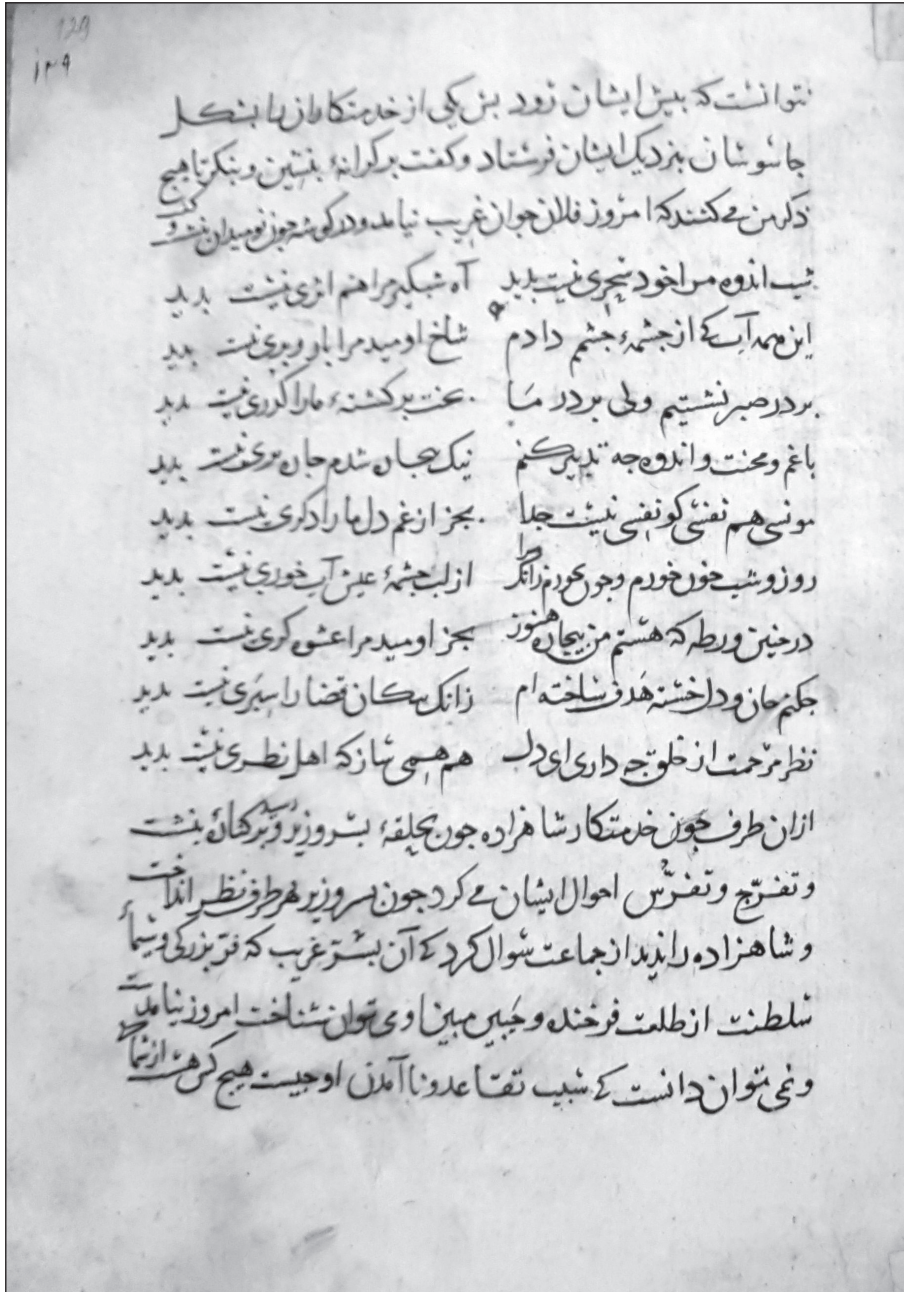
دکتر فریدون نافذ، استاد دانشگاه آنکارا و از احفاد مولانا، به دست آورده بوده است.

۲۲. غزلیات شمس تبریز، ج ۱، صص ۵۵۷-۵۵۸. اندکی عجیب است که با آن که شفیع کدکنی در اواخر دهه هشتاد، یافته های خویش را نثر داد، یک دهه بعد، دوباره کسانی با نشر مقالات چند اسمی، از نو آن را کشف کردند و اعلام نمودند که این شعر، از میان نسخه های فروزانفر، تنها در برگه الحاقی تنها یک دستنویس، و نیز در کشکول شیخ بهایی وجود داشته است (۱) «بررسی انتساب شش غزل از دیوان کبیر به مولوی»، صص ۱۰-۱۱ و (۱۷). در مقاله مزبور، هیچ اشاره ای به مأخذی جز کشکول شیخ بهایی نشده است. همچنین کمترین خبری که نشان دهد این مولانا شناسان، از وجود تتبع شفیع و دیگران با اطلاع بوده اند نیست. داوری مقالات شعرشناسانه در مجلات علمی- پژوهشی، گره کوری است که به این سادگی باز نخواهد شد. بسیار متأسفم که وزارت علوم نیز، دست کم درباره مقالات حوزه ادبیات فارسی، اخیراً گویا اجبار کرده که دانشجویی که در آستانه دفاع از رساله دکتری است، حتماً بایستی مقاله مشترکی با استاد راهنمای رساله داشته باشد. سزای اساتیدی هم که نخواهند این قانون کذایی را اجرا کنند، آن است که هیچ دانشجویی حق ندارد با ایشان رساله بگذراند. اگر واقعاً چنین است، همان بهتر که هیچ کس با همفکران این کمترین، رساله ای برندارد. برای اجبارکنندگان این قانون - که البته گویا قبلاً هم بود، اما نه به این داغی - بسیار متأسفم. هر چند از انصاف نباید خارج شد و قضایای نایبجا نباید کرد. زیرا شاید در این میان، بسیاری هم باشند که نتیجه تلاش علمی خود را با دانشجویان تحصیلات تکمیلی، در قالب پروژه ای مشترک دنبال می کنند و مقالاتی چند اسمی هم در کنار آن نثر می دهند. اما معنای این «اجبار» را در نمی یابم. این مسأله، اخیراً برای برخی دانشجویان فاضلی که با چند نفر از همکاران من رساله انتخاب کرده اند، دردسرساز شده و حتی زمانی هم که یکی از دوستان عزیز بنده، به دانشجوی گواهی کتبی داد که برای نشر مقاله تک اسمی به نام خود، اختیار کامل داری، هیچ یک از مدیران مجلات نپذیرفتند که مقاله دانشجوی مقطع دکتری را به نام واحد او منتشر کنند، و استدلال کردند که قانون جدید وزارت علوم است. بنده از آئین نامه های آن نهاد در این باب اطلاعی ندارم. اما اگر چنین باشد، بسیار مایه تأسف است.

۲۳. «اشعار نویافته ابن سینا»، صص ۴۲-۴۳.

۲۴. تاریخ خانی، ص ۱۶۹.

می‌توان به جستجوی پرفایده‌ای که درباره حکیم عزالدین مطلعی، صاحب رساله «کاغذنامه»، در گذشته پیش از یاد ۶۴۹ق، و احتمال یکی بودن وی با سراینده این غزل صورت گرفته و در آنجا به سایر اشعار وی در منابع شعری نیز پرداخته شده، مراجعه کرد.^{۲۵}



۲۵. «کاغذنامه»، صص ۱۶-۱۸. استاد ایمانی، به وجود اشعاری از «مطلعی» در مؤنس الاحرار محمد بن بدر جاجرمی و نیز جنگ اسکندر میرزا اشاره کرده است.

۴. تفسیر ناشناخته فارسی مورخ ۸۹۷ ق در کتابخانه ملی عشق آباد

در فهرستی که برای نسخه‌های خطی کتابخانه ملی عشق آباد ترکمنستان، به زبان فارسی منتشر شده، از یک دستنویس ناشناس در موضوع تفسیر قرآن به زبان فارسی یاد شده است که تاریخ ۸۹۷ ق دارد. مشخصات این دستنویس، به شماره ۵۲۶-۳، در این فهرست مختصراً و نه چندان دقیق، چنین است: «تفسیر قرآن، از: ناشناخته،... تاریخ کتابت: سال ۸۹۷ ق، عنوانها و نشانها: مرکب، شنگرف، تعداد برگ: ۲۵۱». فهرست‌نگار هیچ آغاز و انجامی برای آن ذکر نکرده و توضیح داده که «این نسخه شریف را به مرکز نسخه‌های خطی انستیتوی نسخ خطی ترکمنستان در عشق آباد انتقال داده‌اند»^{۲۶}. شناسایی این متن پربزرگ، ضروری است.

۵. غزل‌هایی از «دردزد استرآبادی»

مهم‌ترین دانسته‌ها درباره‌ی علی‌دردزد استرآبادی، یکی از شاعران نیمه نخست سده نهم هجری که شعرش در خط ساری و آمل آوازه‌ای داشته، در تذکره دولتشاه سمرقندی آمده^{۲۷} و فقط هدایت است که اطلاع کوتاه و البته به قطعیت نرسیده‌ای درباره‌ی سال وفات او ذکر می‌کند و آن را ۸۴۵ ق می‌داند^{۲۸}. دولتشاه دیوان این شاعر را در دست داشته و درباره‌ی آن نوشته است: «و چون ساده‌گوی بوده به مطلعی و رباعی از دیوان او قناعت نمودن نیک نمود»^{۲۹}. از او شعر دیگری نیز در قالب قصیده، در سفینه منقبتی عبدالکریم مداح، کتابت شده در ۸۴۹ ق، باقی مانده است. این شعر منقبتی، ردیف جالبی دارد که از تنوع طلبی و شیرین کاری این سراینده، البته در حد بضاعتش، حکایت می‌کند:

مراسم بعد پیمبر همان که می‌دانی	امام برحق و رهبر همان که می‌دانی...
اگر کسی ز تو پرسد که پیشوای تو کیست؟	بگو برادر جعفر، همان که می‌دانی
که بود آن که ز بعد رسول برحق بود	سزای مسجد و منبر؟ همان که می‌دانی
که بود آن که به قول خدا به جای رسول	بخفت بر سر بستر؟ همان که می‌دانی
که بود آن که برآورد ذوالفقار دوسر	به قتل لشکر کافر؟ همان که می‌دانی
علی بُد آن که ز بهر نماز او برگشت	ز نیمروز به خاور همان که می‌دانی
علی بُد آن که بجست او ز خندق و برکند	ز حصن و باره خیر همان که می‌دانی

۲۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی عشق آباد ترکمنستان، ص ۲۲۲.

۲۷. تذکره الشعراء، صص ۴۲۸-۴۲۹؛ فرهنگ سخنوران، ج ۱، ص ۳۳۶؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، ج ۱، ص ۲۹۷. مطلبی که پیرامون او در تذکره عرفات العاشقین آمده، نکته چندان تازه‌ای در بر ندارد و اغلب بر اساس همان محتویاتی است که اوحدی بلیانی از دولتشاه اخذ کرده است. او تنها تصریح کرده که «عامی بل اقی بوده» (عرفات العاشقین، ج ۵، ص ۲۷۹۴). مصححین، تخلص و لقب مشهور او را، بر اساس یکی از دستنویس‌های مبنای تصحیح، «دروزی» ثبت و «دردزد» را به پانویس منتقل کرده و هیچ در نظر نداشته‌اند که این فرد، همان کسی است که در دولتشاه مدخل دارد. از قرار معلوم، تقی‌الدین کاشانی، تذکره نویسنده مشهور دیگر سده دهم و یازدهم هجری، در مدخل‌های اصلی رکن سوم کتاب خویش که به سراینندگان مابین حافظ تا جامی اختصاص دارد، به این سراینده اشاره‌ای نکرده است (رک: خلاصه الأشعار، نسخه روسیه؛ میرتذکره، صص ۹۸-۱۰۳).

۲۸. فهرس التواریخ، ص ۱۱۹؛ «و ملاعلی دردزد و سودائی ایبوردی درگذشتند». نیز رک: تشیع ولای اهل بیت در ادب فارسی قدیم، ص ۳۰.

۲۹. تذکره الشعراء، ص ۴۲۸.

چنین است بازخوانی اولیه متن غزل‌های موجود از دُرْدُز استرآبادی در این منبع:

«[غزل ۱]»

آمد آن خسرو خوبان جهان از باکو
می‌برد جمله دل‌ها و ندارد باک او
گره‌لال خم ابروش ببیند مه نو
رخ بسالی ننماید دگر از افلاک او
قصد جان می‌کند و جان همه زنده ازوست
هیچ خوف و خطرش نیست، زهی بی‌باک او
اگر دامن ازین غصه نگیرد کودست
وگراز بار فراقش نگزیرم پا کو
خسته در خاک ره افتاده‌ام و چشم براه
دید و بگذشت^{۳۳} و مرا برنگرفت از خاک او
آنچنان صید کمند سر زلفش شده‌ام
تا شوم کشته در آویزدم از فتراک او
دُر فشانندی تو بدین شعر که گفتی دردزد
مُقبل آنست که^{۳۴} سخنهایش کند ادراک او

[غزل ۲]

چو گل خواهم بنازت پروریدن
که ناز نازکان باید خریدن
ترا سیبست در چاه زنخندان
که گویا آب از او خواهد چکیدن
ازان لعل لبست حرفی نوشتم
زبانم چون قلم باید بریدن
زند گل بانگ بر بلبل که خاموش
نشاید پرده خوبان دریدن
بیاد لعل او شعر تو دُرْدُز
چو در گوش جان باید کشیدن

۳۳. اصل: بکدشت.

۳۴. چنین است در اصل.

علی بُد آن که به یک ضرب حیدری بکنند
ز عَمرو پای و ز عنتر همان که می‌دانی...

هر آن که دشمن حیدر بُود ورا باشد
پدر منافق و مادر همان که می‌دانی
به گوش هوش من آمد ندا که ای «دُرْدُز»
ز بحر فکر برآور همان که می‌دانی...
همیشه در دل «دُرْدُز» مَهر مَهر علی
نشاندند اند چو در زر همان که می‌دانی^{۳۰}

در مجموعه شماره ۴۰۷۱ کتابخانه فاتح در استانبول، احتمالاً متعلق به اواخر سده نهم یا اوایل سده دهم هجری، غزل‌هایی از این سراینده استرآبادی وجود دارد که تاکنون در منابع کتابشناسی مورد توجه قرار نگرفته است. در فهرست کتابخانه فاتح، از وجود اشعار این سراینده‌گان در این مجموعه سخن به میان است: امیر خسرو، کمال خجندی، کاتبی، جامی، مسعود سعد (۱)، سیفی هروی (ز: ۷۲۱ ق) (۱) و عصمت بخاری؛ و جز این‌ها در بخش نسخه‌شناسی، به وجود نام برخی سراینده‌گانی اشاره شده که در دو ترجیع بیضی مذهب آغاز دستنویس از آن‌ها ذکر شده است^{۳۲}. شایسته خواهد بود کسی در گفتاری جدا به محتویات این مجموعه با نگاه جزئی‌نگر بپردازد. زیرا گنجینه‌ای از اشعار سراینده‌گان سده هشتم و اغلب نهم به شمار می‌آید که شاید برخی مطالب تازه در آن یافت شود.

۳۰. تشیع ولای اهل بیت در ادب فارسی قدیم، ص ۲۲۹. شیرینی کار اینجاست که در فهرست کتابخانه سپهسالار - که تنها دستنویس سفینه عبدالکریم مداح به شماره ۷۰۹۷ در آنجا نگهداری می‌شود - هنگام معرفی این شاعر، آمده است: «و نیز درباره دزد (یک صفحه و نیم شعر) و شعر رفیع شروانی و پور بنا در آن است» (فهرست کتابخانه سپهسالار، ج ۴، ص ۹۱)؛ که پیدا است تخلص شاعر استرآبادی، برای فهرست‌نگار عجیب بوده و «دُر [= درباره] دزد» خوانده است (۱).

۳۱. مایه مسرت بود اگر از مسعود سعد و یا از سیفی، یکی از سراینده‌گان قدیم با این تخلص (و نه سیفی بخاری از سده نهم هجری)، در مجموعه‌ای شعری از سده نهم و دهم هجری اشعاری یافت می‌شد. در حالی که در این دستنویس، حتی یک بیت نیز از مسعود سعد سلمان نیامده است. دو موضعی که اشعاری از او در برگ‌های مختلف این مجموعه گزارش شده، یکی به حافظ سعد اختصاص دارد که شاعر شناخته شده‌ای از سده نهم هجری است و دیوان او برجای است و نسخه‌های خوبی دارد، علاوه بر آن که در سفینه‌ها و مجموعه‌های ادبی نیز اشعاری از وی یافت می‌شود؛ و دیگری مربوط به سروده‌هایی از «مسعود» تخلصی است که هیچ ارتباطی با مسعود سعد سلمان ندارد. سیفی نیز که از سده هشتم حدس زده شده، به نظر سیفی بخارایی، سراینده سده نهم هجری باشد. همچنین در فهرست، از برخی سراینده‌گان دارای شعر در این مجموعه، حتی در بخش نسخه‌شناسی نیز یادی نشده که از آن جمله، مولانا دُرْدُز است. بررسی سروده‌های بدر شروانی، شرف‌الدین علی یزدی و نیز خیام، در عین تعلق داشتن مجموعه به اواخر سده نهم و کم‌ارزش بودن منابع اواخر دوران تیموری از منظر شناخت رباعیات اصیل دانشمند نیشابور، خالی از فایده نخواهد بود.

۳۲. فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه فاتح، صص ۳۰۰-۳۱۰.

[غزل ۳]

اندر همه شهر را، که دارد
 زمین جنس قماش‌ها که او راست
 از نرمی و نازکی وجودش
 خیریسست^{۳۸} ولی دلش ز خارا است
 چون قامت خویش راست خویست
 در وعده اگر چه زیرو بالاست
 کوتاه گذشت اگر چه وصلش
 گو باش غمش فراخ پهناست
 چون نام تو حلقه کرد دردزد
 این دستک تو بگردن ماست^{۳۹}

گذشت^{۳۵} عمر و نمی‌بارم از شراب گذشتن
 که مست خواهم ازین عالم خراب گذشتن
 گذشتم از همه عالم با اختیار خود اما
 نمی‌توانم ازین در بهیچ باب گذشتن
 حساب معصیت ما مکن که روز قیامت
 برحمت تو توان از سر حساب گذشتن
 «عنان‌کشیده رو ای پادشاه کشور حسن»^{۳۶}
 که خون خسته‌دلان خواهد از رکاب گذشتن
 مرا مگویی که دردزد از کمال گذشتی
 که ذره‌ای نتواند ز آفتاب گذشتن

[غزل ۴]

هر چند ممکن است از نگاه نقادانه، ارزش چندانی برای این اشعار قائل نباشیم، از منظرهای تاریخ ادبی، اجتماعی و نیز برای دست آوردن شناختی از سطح و مایه شعری شماری از شاعران فارسی‌گوی سده نهم هجری، و نیز آگاهی از علاقه و سلیقه مخاطبان آن دوران، نشر این غزل‌ها خالی از اهمیتی نخواهد بود.

نه عیب تست بر ما چنین بتاب گذشتن
 که هست قاعده عمر بر شتاب گذشتن
 قدم بگوشه چشمم نه ای سهی قد گلرخ
 گرت هواست دمی بر کنار آب گذشتن
 جمال ماه‌رخان گردهند عرضه برویت
 مثال ذره بُود پیش آفتاب گذشتن
 مکن ملامت من زاهدا بدولت عشق
 که در شباب بُود مشکل از شراب گذشتن
 بهر ثواب که می‌خواست ریخت خون بتمامی
 که بزه است^{۳۷} بجهد از سر ثواب گذشتن

[غزل ۵]

بژاز بتی مقابل ماست
 او با همه در معامله راست
 وقتی که دکان نهاد و بنشست
 فریاد ز هر دو گون برخاست

۳۵. مصدر «گذشتن» و نیز تمامی افعال صرف‌شده از آن در این شعرا و اشعار پس از این نیز، همگی در این دستنویس بدون نقطه «ذ» و به صورت «گذشتن» ثبت شده است.

۳۶. تضمین کامل مصرعی از این بیت حافظ: عنان‌کشیده رو ای پادشاه کشور حسن / که نیست بر سر راهی که دادخواهی نیست (دیوان حافظ، دکتر سلیم نیساری، ص ۱۳۴).

۳۷. چنین است در اصل.

۳۸. اصل: بدون نقطه‌های حروف نخستین.
 ۳۹. مجموعه شعری، ۴۰۷۱ فاتیح، برگ‌های ۲۳۳ ب- ۲۳۵ الف، با عنوان «اشعار مولانا دردزد»

کین نفس در صدف کوشک لفظ عماد	جای بی یافت همه لولو مکنون
آن رخ مکر که رشک برد آفتاب زو	او ان زلف بین که می شکند مسک با لب
افاسل و ست عطر فری که میرود	آب عیبه و غیره مسک و گل با لب
تا روزی که از دست می یزدیم مسک	کین بوسه که بگر با بد بخواب ازو
تا بالست بود نصی دم فرن ز غیر	تا در منت رقی روتاب ازو
با دستیم نشند و فکر خطا کند	توک خطا چشمه دار صواب
ای لب چون شکست داده در شیرین نجی	طوطی روح مرا و عد شکو شکنی
تا صبا دامن زلف تو بودت	حیب بادست بر از نامه مسکنی
اثر بندگی در بدن حاکی نیست	ای کین چشمه من پرستی کنی
سج دان که مراد ولت شای ز کجا	زبان تو که شست که دروش منی
از دبان و لایق با نجی کنت عماد	در جهان شمس در شرفش بشیرین نجی
بسم الله الرحمن الرحیم	
آمدان خسرو بخوان جهان از باکو	میرد همه دلها و نذار دباکو

کز هلال چشم روشن بیند نه نو	رخ لب لی نماید که از افلاک
قصه جان میکند و جان همه زنده	سج خوف و خطر شرم نیست ز باک
اگر دم امن از منجبت مکر دگود	که از بار زلفتش مکر نرم باکو
خته در خاک راه فاده ام چشم	دید و مکشت و مکر ز کوز خاک
انجان سکنید زلفش شدم	تا شوم شسته در آوردم از قرک
دشمنی تو بدین شکر گفنی در زده مقتل است که تخمهاش کند در اک	
جو کل خواص نازت بیرون	که ناز نازگان باید شیرین
ترا سبب در جابه ز نخلان	که گو یا آب از دوا به چکین
از ان لعل است جزئی تو قسم	زبانم چون سلم باید بریدن
ز نکل باک بر بیل که خاموش	نشاید پرده خوبان درین
بیا در لعل او شوق تو در زده	جو در در کوش جان مید کشین
کدشت عمر و غمی یا رم از شراب کدشتن	که مست خواص ازین عالم خراب کدشتن
کدشتنم از همه عالم با حسی از خود اما	تیمیو غم ازین در سبج باب کدشتن

<p>برحمت تو توان از سر حساب کدشتن که خون خسته دلا جان بد از رکاب کدشتن</p>	<p>حساب معصیت ما که کن روز قیامت عنان کشیده روای با دسا که شور</p>
<p>مرا مگوی که در دراز کمال کدشته که دره نتواند از آفتاب کدشتن</p>	
<p>که است قاعده عمر بر تاب کدشتن کرت سواست دمی بر کجا کدشتن مثال دره بود پیش آفتاب کدشتن که در شباب بود شکل از سر کدشتن</p>	<p>زیعیبت بر ما خست تاب کدشتن قدم که بوشه چشم سنی قد کلور چالان در خان کردند عرضه برو که ملامت من را بداد بدولت عشق</p>
<p>بهر ثواب که میخواست رنجت نمانی که بزه است بجد از سر ثواب کدشتن</p>	
<p>او با همه در معامله راست فریاد ز سر د و کون بزحمت زین جنس تماشا که او را هر است ولی دلش ز خارا در وعده اگر چه زیر و بالا</p>	<p>بزار ز بی مقابل راست وقتی که دکان نهاد و بست اندر همه شمه را که دارد از نرنی و نازکی و جوش چون قامت خوشتر است تو</p>

۶. دو منظومه فارسی کتابت شده به دست مصطفی طربزونی در کوتاهیه

اسناد مربوط به حضور و ظهور فارسی در «کوتاهیه» عثمانی فراوان نیست و آنچه هست، اغلب به سده دهم محدود می‌گردد. در جستجوهای اخیر، دو دستنویس از منظومه‌های پرمخاطب فارسی به رؤیت رسید که هر دو به دست یک کاتب، در کوتاهیه در سال‌های ۹۷۲ق و ۹۸۲ق کتابت شده است. این دو دستنویس، یکی نسخه‌ای از بوستان (سعدی‌نامه) است که در کتابخانه مرعشی نگهداری می‌شود و دیگری دستنویسی است از پندنامه منسوب به عطار نیشابوری که در کتابخانه کوپریلی در استانبول محفوظ است. مشخصات این دو دستنویس، که از منظر کتاب‌آرایی نیز شباهت بسیاری به یکدیگر دارند، پس از این خواهد آمد. اما پیش از هر چیز، لازم است درباره کوتاهیه، محل کتابت این دو دستنویس در سده دهم هجری، و پیشینه رواج زبان فارسی در آنجا، به اجمال بررسی‌ای صورت گیرد.

این شهر، که اینک مرکز استانی به همین نام در غرب ترکیه است و جمعیتی در کل استان در حدود ششصد هزار نفر دارد، در قرون نهم و دهم هجری یکی از مراکزی بوده که به طور پراکنده می‌توان حضور عالمان و ادیبانی ایرانی تبار و فارسی‌زبان را در آن نشان داد. یکی از اسناد مهم این حضور، دستنویس‌ها و آثاری است که به زبان فارسی در این شهر پدید آمده، از زبان فارسی به ترکی ترجمه شده و یا به قید کتابت درآمده است. این موارد، حاکی از حضور این زبان به عنوان زبان درس و ادب، در کنار عربی و ترکی، در روزگارانی است که سنت تاریخ‌نگاری منسجمی برای ثبت احوال و آثار تک‌تک دانشوران وجود نداشته است. علاوه بر دو دستنویس بوستان و پندنامه که پس از این توصیف خواهند شد، برای نمونه می‌توان به این دستنویس‌های فارسی اشاره کرد که در این شهر کتابت شده‌اند:

دستنویسی از لغة نعمة الله اثر نعمة الله بن احمد بن مبارک روشنی‌زاده رومی (۹۶۹ق) که از مشهورترین فرهنگ‌نامه‌های فارسی به ترکی از سده دهم هجری است و دستنویس‌های بسیاری از آن برجای مانده است. دستنویس شماره «۳۷- ترکی قولة» در دارالکتب مصر، نسخه‌ای است مورخ ۹۷۰ق که به دست کاتبی ناشناس در کوتاهیه کتابت شده است.^{۴۰} در کتابخانه دانشگاه لس‌انجلس دستنویسی از ترجمه گلستان سعدی به زبان ترکی، به شماره B۲۹۶، نگهداری می‌شود که در آغاز صفر ۱۰۱۴ق به دست محمد بن فرهاد کوتاهیه‌وی کتابت شده است.^{۴۱} این دستنویس با این‌که متنی ترکی به شمار می‌رود، به واسطه وجود عناصری از زبان فارسی در آن، چنین به نظر می‌رسد که ضرورت داشته کاتبی آن را استنساخ نماید که با برخی مفردات زبان فارسی آشنایی ضمنی داشته باشد. همچنین دستنویس شماره ۱۵۶۷ فضل‌احمد پاشا در کتابخانه کوپریلی در ترکیه، که نسخه فرهنگ حلیمی (لغت حلیمی، فرهنگ فارسی به ترکی^{۴۲}) مورخ ۹۵۷ق است، در تاریخ ۹۷۰ق به تملک یکی از ساکنین کوتاهیه یا گذرندگان از این شهر درآمده است. چنین است یادداشت تملک او بر نسخه: «دخل فی سلک الحقیق عزمی الفقیر فی غرة محرم الحرام فی بلدة کوتاهیه سنة ۹۷۰»^{۴۳}. عبدالرحمن کوتاهی، متخلص به «فراقی» نیز که در همین دوره می‌زیسته و او را متوفای ۹۸۳ق دانسته‌اند، اخلاق محسنی، اثر فارسی ملاحسین واعظ کاشفی، را به

۴۰. فهرس المخطوطات الفارسیة التي تفتنیها دارالکتب حتی عام ۱۹۶۳م، ج ۲، ص ۴۶.

۴۱. «فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه لس‌انجلس»، ص ۴۰۷.

۴۲. درباره آن، رک: حلیمی و فرهنگ‌هایش، صص ۵-۳۴.

۴۳. فهرس مخطوطات مکتبه کوپریلی، ج ۲، ص ۱۹۹.

ترکی برگردانده است.^{۴۴}

فارسی کتابت شده‌اند و هر دو از آرایش و نسخه‌پردازی مشابهی برخوردارند:

- بوستان / سعدی‌نامه، دستنویس کتابخانهٔ مرعشی به شمارهٔ «۹۳هـ.ق ۱۴م»: این دستنویس در فهرستی از نسخه‌های تازه‌خریداری شدهٔ کتابخانهٔ مرعشی معرفی شده است.^{۴۵} رقم کاتب، با مشاهدهٔ تصویر واضح نسخه، چنین خوانده می‌شود: «یا رب بکمال کرم و رحمت کن / بر ناظم و بر کاتب و بر خواننده. کتبه العبد الفقیر طربزونی صولاق زاده فی بلده کوتاهیه سنه ۹۸۲. یارب نگاه دار توایمان آنکسی / کین خط من بخواند و بر من دعا کند. // هر که خواند دعا طمع دارم / زانکه من بنده گنه‌کارم» (۱۱۶۶ الف). این دستنویس، دست‌کم از عهد قاجار، در ملک یک ایرانی بوده است. زیرا در ۱۲۹۶ ق، این یادداشت در حاشیهٔ یکی از صفحات آن نگاشته شده است: «هو. بسم الله الرحمن الرحیم. اقل السادات میرزا مهدی تبریزی در سنه ۱۲۹۶ از دست ظلم رکن الدوله حاکم خراسان بطریق فرار بکھسار حاجیلدر منزل دوستان مکرم کربلائی حسن و مشهدی قلی چندی بودم. دریغا که بی ما بسی روزگار / بروید گل [و] بشکفد نوبهار. پنجم شهر ربیع الثانی ۱۲۹۶» (۸۳ الف).

- پندنامه، منسوب به عطار، دستنویس شمارهٔ «۳۹۶ مکرر محمدعاصم‌بیک» در کتابخانهٔ کوپریلی در ترکیه.^{۴۵} از این اثر، دستنویس‌های متعددی در کتابخانه‌های ترکیه نگهداری می‌شود.^{۴۵} که قدمت برخی از آن‌ها، بیش از قدمت دستنویس مورد بحث است. فی‌المثل دستنویس شمارهٔ ۷/FY ۵۹۳ از کتابخانهٔ دانشگاه استانبول را می‌توان ذکر کرد که در ۸۹۰ ق کتابت شده است.^{۴۵} دستنویس کتابخانهٔ کوپریلی را مصطفی طربزونی در قطع ۲۰ در ۱۱/۵ سانتیمتر در ۳۷ برگ، به تاریخ ۹۷۲ ق در کوتاهیه کتابت کرده است. مقایسهٔ نمونهٔ تصاییر این دستنویس با دستنویس بوستان کتابخانهٔ مرعشی، شباهت هر دو نسخه را از منظر کتاب‌آرایی نیز نشان می‌دهد.

همچنین می‌توان اشاره کرد به یکی از دانشوران حنفی‌مذهب سدهٔ هشتم و نهم هجری، که از بلاد عجم، به احتمال بسیار از مشهد طوس، به کوتاهیه هجرت کرد و در آنجا سرپرستی مدرسهٔ اسلامی شهر را بر عهده گرفت. وی عبدالواجد بن محمد مشهدی عجمی کوتاهیه‌ای کرمیانی (۸۳۸ ق) است که در علوم بسیاری تبخیر داشت و احتمالاً به سبب ممخض بودن در نجوم، به «فلکی» نیز شهره بود. طاشکوپری زاده (۹۳۷ ق) دربارهٔ او چنین نگاشته است: «عبدالواجد بن محمد: آتی من بلاد العجم و صار مدرّساً فی مدرسة کوتاهیه و تلك المدرسة تُنسب الیه فی عصرنا هذا. و کان عالمًا فاضلاً عاملاً بالعلوم الأدبیه، بارعاً فی الفنون الشرعیة و العقلیه عالمًا بالتفسیر و الحدیث. شرح کتاب النقایة شرحاً حسناً و آتی فیہ مسائل کثیرة مهمّة، فرغ من تألیفه فی جمادی الأولى سنّة ۹۱۱ و ثمانمائه. و رأیت له کتاباً منظوماً فی علم الاسطرلاب صتّفه لأجل حفظ مولانا محمدشاه ابن المولی الفناری. و کان نظّمه نظماً بلیغاً فی غایة الحسن، رأیته بخطه الملیح»^{۴۶}. مقصود از انتساب مدرسهٔ کوتاهیه به عبدالواجد مشهدی، نامگذاری مدرسهٔ مزبور به «واجدی» است که تا مدت‌ها پس از درگذشت او، این نام به آن مدرسه اطلاق می‌شده^{۴۶} و این خود حاکی از تأثیری بر فضای علمی این شهر است. وی صاحب آثاری به عربی است، چون: شرح کتاب النقایة فی علم الهدایة^{۴۷}، شرح معالم الاوقات فی الاسطرلاب، معالم الاوقات فی معرفة الاسطرلاب به نظم، شرح سی فصل خواجه نصیرالدین طوسی^{۴۸}، شرح ملخص چغمینی و شرح قصیدهٔ عینیّه در روح سرودهٔ قیصری^{۴۹}.

اینک می‌توان به معرفی دستنویس‌های فارسی وعده‌داده شده پرداخت که در ۹۷۲ و ۹۸۲ ق به دست کاتبی با نسبت طربزونی، منسوب به شهر «طربزون / طرابزون» عثمانی، در کوتاهیه به زبان

۴۴. معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۱۷۰۸.

۴۵. الشقائق النعمانیة، ص ۴۴.

۴۶. تنها برای یک مستند در این باره، رک: همان، ص ۴۳۰. اسناد مرتبط با این مدرسه، بیشتر از این هاست و گردآوری آن‌ها مجال دیگری می‌طلبد.

۴۷. معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ص ۱۹۰۵. همچنین مشخصات دستنویسی از این اثر، مؤرخ ۱۲ رجب ۸۳۶ ق، در یکی از فهرست‌های تازه‌چاپ نسخه‌های عربی سلیمانیه در ترکیه، اخیراً رؤیت شد که از عهد حیات عبدالواجد عجمی است و آنجا آمده که: «أملاه المؤلف فی مدرسته الواجدیه علی الناسخ عبدالموسی بن شیخی».

۴۸. علاوه بر نسخه‌های معرفی شده از این اثر در فهرست قره‌بلوط، بایستی اشاره کرد که نسخهٔ احتمالاً کهنی از آن، با تاریخ ۸۴۱ ق در برخی بخش‌های دیگر مجموعه، در کتابخانهٔ مسجد اعظم قم به شمارهٔ ۱۴۰۱/۳، نگهداری می‌شود (فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، ج ۳، ص ۴۳۱، که نام مؤلف بایستی به صورت «عبدالواجد»، به جای «عبدالواحد»، اصلاح شود).

۴۹. معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، صص ۱۹۰۴-۱۹۰۵.

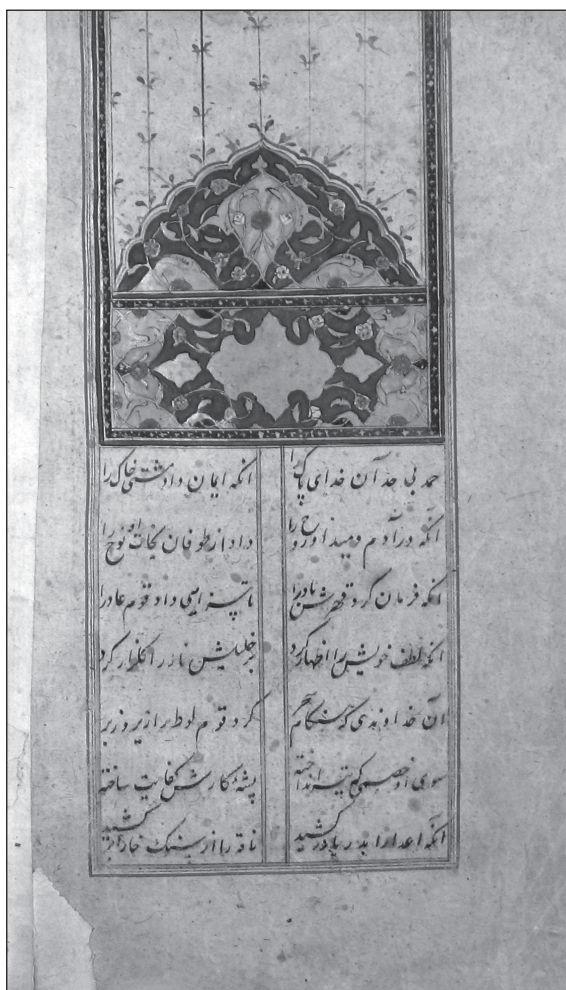
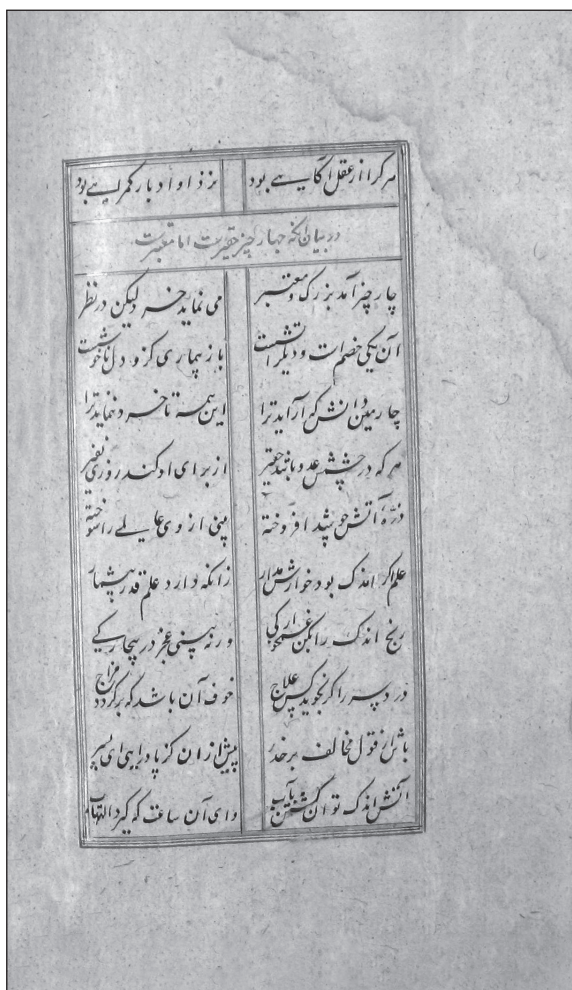
۵۰. نسخه‌های نویافته، ص ۱۲۲. این نسخه، در این فهرست، دستنویسی از «گلستان» معرفی و نسبت کاتب نیز «طربزولی» ثبت شده است، که هر دو خطاست.

۵۱. فهرس مخطوطات مکتبه کوپریلی، ج ۳، ص ۱۸۴.

۵۲. برای نمونه، رک:

Istanbul Kütüphanelerinde Farsça Manzum Eserler, vol.1, pp. 96- 98.

53. Istanbul Kütüphanelerinde Farsça Manzum Eserler, vol.1, p. 96.



بسم الله الرحمن الرحیم
 ۱۱۹۳
 قتل سادات و شجره محمدی در یثرب
 زرت علم کن الودیه حکم حکم کرم
 فرار کبریا حایر و منتزل دوست
 کربلا فی حسن و شهیدی توفیق خدیوی
 درینا که میایدی روزگار
 پرودید کل بشکفته و بهار
 صلوات علیهم شهرت استانی

چو آنی سه دهنه پاکیزه بوم در فضل دیدند و هفت تیس که خاشاک مسجد بیفتان کرد برون رفت و با شش نشان کنش که پروای خدمت ندارد غیر که نام خوب کردی بر او بجا که مردان بخدمت بجای بند که ای یار جان پروردگوش من آلوده بودم در آن بجا که پاکیزه بر مسجد از خار و پوس که انکاده وار دین بوشیا که در و شین را بنامش مناجات	چو آنی سه دهنه پاکیزه بوم در فضل دیدند و هفت تیس که خاشاک مسجد بیفتان کرد برون رفت و با شش نشان کنش که پروای خدمت ندارد غیر که نام خوب کردی بر او بجا که مردان بخدمت بجای بند که ای یار جان پروردگوش من آلوده بودم در آن بجا که پاکیزه بر مسجد از خار و پوس که انکاده وار دین بوشیا که در و شین را بنامش مناجات
--	--

نابرس چه رسم در معینی تو اضع میگوید	
ز خاک آفریدت خداوند پاک چو کشتن سوز سرکشش چو کردن کشت آتش خوناک چو آن سپهر فرازی تو دوان	بس ای بنده افتادگی کن بجاک ز خاک آفریدت چو آتش بر چهار سیکه تن بنده است خاک از آن دیو کردند ازین
حکایت	
یکی نظر بهاران زابری طبع که با یکی دریاست گریستم چو خود در آبش حارت پی پس هر شکی بی رسانید کار بلندی از آن فیت کو پیشه	چل شد چو بنای دریا بدید که اوست خاک من نیستم صف در کنارش کنان که شد نامور لولوی شاه در نیستی که فیت تارسته
حکایت	

۷. چند نمونه دیگر از کتابت‌های علی اکبر فیض قمی

هر فهرست تازه‌ای که منتشر می‌شود، به ویژه که در معرفی گنجینه‌های خطی موجود در قم باشد، می‌تواند اسنادی از آثار کتابت‌شده به دست علی اکبر فیض قمی، متولّی مضجع فتحعلی شاه، را عرضه کند^{۵۴}. در مجلداتی از فهرست‌های جدید کتابخانه مرعشی، این چند نمونه از خطوط او معرفی شده است:

- قرآن کریم، به شماره مؤقتی «۲۱۵۹۷ ج ۳»^{۵۵}، مورخ ۱۲۷۱ق، در قطع رحلی^{۵۶}.

- ترجمه مفتاح الفلاح شیخ بهایی، به شماره ۱۷۰۱۶، به خط نسخ ممتاز، در ۱۵۶ برگ به اندازه ۱۵ در ۹، مورخ ۱۲۷۲ق. در فهرست مرعشی تصریح شده که «مترجم، این اثر را بنا به درخواست پدرش به فرجام رسانیده است» و تأکید گردیده که هم اصل ترجمه و هم کتابت نسخه، هر دو متعلق به علی اکبر فیض است^{۵۷}. این عنوان، از تازه‌های مربوط به کتابشناسی آثار و کتابت‌های فیض به شمار می‌آید.

- الصحیفة السجادية، به شماره ۱۶۵۵۶، به نسخ زیبا، در ۱۱۰ برگ، در قطع ۱۶٫۵ در ۸٫۵، مورخ رجب ۱۲۷۳ق. او در انتهای نسخه تصریح می‌کند که آن را به امر پدر خود، میرزا محمد فیض، کتابت کرده است. چنین است رقم نسخه: «به فرمایش و امر ابوی صحیفه کامله به اتمام رسید، امید است که ملحوظ محضر مبارکشان آید. حرّره فی شهر رجب المرجب سنة ۱۲۷۳ ثالث و سبعین و مائتین بعد الالف، و انا العبد الخاسر علی اکبر بن آقامیرزا محمد متولّی مضجع خاقان... فتحعلی شاه قاجار». این نسخه چنانکه در فهرست مرعشی آمده، مترجم است و ترجمه ادعیه زیر سطور کتابت شده است^{۵۸}. آیا ترجمه هم از همین علی اکبر است؟ اگر چنین باشد، شایسته بود که مدخل جداگانه‌ای به «ترجمه صحیفه» اختصاص یابد و در این باره، فحوصی صورت گیرد. به نظر می‌رسد این دستنویس همان نسخه‌ای باشد که در دهه پنجاه در کتابخانه مرحوم سید مهدی لاجوردی در قم گزارش شده است^{۵۹}.

- مجموعه‌ای شامل چهل حدیث و رساله بوارق (اثر سید محمد مهدی حسینی قمی)، به شماره ۱۶۸۱۱ به خط ثلث عالی درشت و معرّب، که در دو برهه زمانی کتابت شده است. رساله نخست از آغاز تا برگ ۷۱ ب، مورخ شعبان ۱۲۸۲ق؛ و رساله دوم از برگ ۷۲ تا برگ ۱۱۲۱ الف (انتهای نسخه)، مورخ رجب

۵۴. درباره این ادیب و خوشنویس پرکار، پژوهش‌های متعددی اینک در دست است. از جمله آثار وی که به صورت کامل تصحیح و منتشر شده و بین پژوهشگران تاریخ و ادب فارسی در عهد قاجار از نو شهرتی یافته، می‌توان به «قم در قحطی بزرگ ۱۲۸۸ قمری»، تصحیح جان گرنی - منصور صفت‌گل، و تذکروی شعری معاصرین دارالایمان قم، تصحیح علیرضا فولادی - رقیه فراهانی اشاره کرد (رک: منابع). نیازی به برشمردن مجدد آثار و دستخطهای او نیست (رک: کتاب‌شناسی آثار مربوط به قم، صص ۸۲-۱۱۴؛ «مآخذ احوال علی اکبر فیض قمی و آثارش»، صص ۵۰۲-۵۱۱). همچنین در اسفند ۱۳۹۲، کتاب «شکرستان» اثر علی محمد منشی متخلص به «حکیم»، برادر علی اکبر فیض، به تصحیح دکتر احمد بهنامی، در قم (انتشارات مجمع ذخائر اسلامی) به چاپ رسید که سندی درباره فعالیت‌های ادبی خاندان فیض و همچنین آینه دوران حیات ایشان به شمار می‌آید. درباره آثار اخیر، نیز رک: تذکروی شعری معاصرین دارالایمان قم، صص ۲۰-۲۱، ۵۴۸-۵۴۹.

۵۵. این شماره، احتمالاً مؤقت است.

۵۶. نسخه‌های نویافته، صص ۱۱۱.

۵۷. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۴۳، صص ۱۳۹-۱۴۰. این نسخه دارای تملک آیه الله فیض قمی بر روی برگ عنوان با تاریخ ۱۳۱۳ق است.

۵۸. همان، ج ۴۲، صص ۸۷-۸۸.

۵۹. کتاب‌شناسی آثار مربوط به قم، صص ۸۳-۸۴. اگر چنین باشد، برخی نکات را اینک می‌توان بر اساس گزارش دقیق استاد مدرسی تکمیل کرد. یکی این که ایشان خط نسخه را نه «نسخ»، که «ثلث زیبا» قید کرده است. همچنین درباره ترجمه بین مسطور صحیفه، شرح داده‌اند: «از یادداشت آغاز نسخه برمی‌آید که ترجمه فارسی زیر سطور این نسخه را به خواهش او عالی‌جاه مقرب الخاقان میرزا خانلرخان در چند جزو کتاب به نستعلیق خود نگاشته و چون در میان کار او از قم به دارالخلافه تهران رخت کشیده است باقی‌مانده را میرزا جواد کهکی فرزند حاجی احمد برادرزاده حاجی میرزا رضای طبیب کهکی تحریر می‌نماید». تاریخ رجب ۱۲۷۳، وجه مشترک این گزارش با مطالب موجود در فهرست مرعشی است. اگر این دو گزارش مربوط به یک نسخ باشد، مطالب فهرست مرعشی را بایستی اصلاح کرد.

- کتاب اللهوف / الملهوف، از ابن طائوس، به شماره ۱۶۲۷۴، دارای ۱۰۲ برگ، به ابعاد ۱۹٫۵ در ۸٫۵، مورخ دوشنبه ۲۸ محرم ۱۲۹۴ ق به خط ثلث ممتاز^{۶۰}. نسخه حاضر به گواه فهرست کتابخانه، در بسیاری از بخش ها دارای ترجمه فارسی و به شیوه زیرنویس (بین سطور) به خط شکسته نستعلیق خوش است و حواشی ای نیز دارد که ظاهراً همه متعلق به فیض است. از این رو، ترجمه قسمت هایی از لهوف را نیز بایستی جزو آثار او به شمار آورد. این دستنویس نیز پیش تر در کتابخانه مرحوم لاجوردی قرار داشته است^{۶۱}.

- مقتل منسوب به ابومخنف^{۶۲}، به شماره ۱۷۲۵۱^{۶۳}، و به خط ثلث زیبا، مورخ ۵ شوال ۱۳۰۶ ق، که بخشی از رقم پایانی علی اکبر فیض چنین است: «این بنده یک کتاب لهوف...»^{۶۴} این مرحله باز دست از نوشتن نکشیده به همان چشم کور این کتاب را در روز پنجم شهر شوال تمام نمود، العبد العاصی علی اکبر الفیض فی سنة ۱۳۰۶»^{۶۵}.

- دیوان فرید، به شماره ۱۳۹۶۸ م^{۶۶} به خط نستعلیق خوش میرزا علی اکبر فیض به قطع رقعی^{۶۷}. درباره تاریخ کتابت این دستنویس، خطایی در گزارش کتابخانه مرعشی روی داده است. زیرا تاریخ کتابت، ۱۲۴۲ ق ثبت شده و این زمانی است که هنوز علی اکبر فیض پا به عرصه هستی نگذاشته بوده است. باری، درباره ماهیت این اثر نیز، توضیحی داده نشده و از آن هیچ آغاز و انجامی نیز، تا زمان فهرست شدن کامل نسخه، در اختیار نخواهد بود. با این حال، بعید نیست با نسخه دیوان فرید اصفهانی، سراینده سده هفتم هجری روبرو باشیم^{۶۸}.

۶۰. فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۲، صص ۵۲۰-۵۲۱. این دستنویس نیز در همان مجموعه لاجوردی قرار داشته و گزارش آن زمانی که در آن کتابخانه نگهداری می شده موجود است (کتاب شناسی آثار مربوط به قم، ص ۸۴). تصویر دو صفحه از این دستنویس که در فهرست مرعشی (صص ۸۳۱-۸۳۲) آمده، در اینجا عرضه خواهد شد.

۶۱. فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۲۳. برای تاریخ دست به دست شدن این نسخه، نیزک: «مآخذ احوال علی اکبر فیض قمی و آثارش»، صص ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۸.

۶۲. کتاب شناسی آثار مربوط به قم، ص ۸۴.

۶۳. همان اثر بر ساخته مشهور که قطعاً ارتباطی با ابومخنف کوفی ندارد.

۶۴. در فهرست مرعشی، تعداد اوراق دستنویس ثبت نشده است!

۶۵. چنین است در اصل مأخذ نقل. درباره نسخه لهوف که وی کتابت و احتمالاً خود ترجمه کرده، رک: سطور پیشین از یادداشت حاضر.

۶۶. فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آية الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۲، ص ۵۹۶.

۶۷. «م» به نشانه «موقت»، نشان دهنده شماره موقتی است که پس از ورود هردستنویس به کتابخانه مرعشی، به آن تعلق می گیرد و تا سامان دهی دستنویس و ورود آن به دایره نسخه های فهرست نویسی شده، این شماره در مخزن کتابخانه مبنای چیدن در قفسه ها شناخته می شود.

۶۸. نسخه های نویافته، ص ۶۹.

۶۹. دیوان فرید اصفهانی (دز: منابع). علی اکبر فیض، علاوه بر آن که خود، دیوانی شعر فارسی دارد که لازم است هر چه زودتر تصحیح و منتشر شود، به کتابت یا استکتاب چند دیوان از متقدمین فارسی سرا نیز پرداخته است. برای نمونه، می توان از دیوان ابوالفرج رونی («مآخذ احوال علی اکبر فیض قمی و آثارش»، ص ۵۰۹، نسخه کتابخانه علامه طباطبایی شیراز مورخ ۱۲۷۹ ق به شماره ۱۴۱۲) و دیوان امیر معزی (همان، ص ۵۰۳ که نسخه را در ۱۲۷۷ ق به دست امیر زادگان و مخادیم قم نویسانده بوده و نسخه در دهه پنجاه در کتابخانه لاجوردی قرار داشته) یاد کرد. فیض همچنین شرحی متوسط بر دیوان انوری دارد (همان، صص ۵۰۴ و ۵۰۷، نسخه شماره ۵۱۴۹ مرعشی).

اما بعد فهد جمال خاد و زید عن
 المصون و فید و اوله ما
 ضبطها علینا ضوا الغلہ
 والحمد للذی جعلنا شیخنا
 مؤمننا ہذا البلاء الطیبہ

فرید و علیہ الذی فاصبر فافضل
 الجنۃ
 حرر العبد المذنب العاصی لک العبد المذنب
 مضجع خا و خلدن مکافئہ اللہ صلی
 شہ شعیبا المعظم و فابریگ ما و شہ

۸. «ممدوحين شيخ سعدي»، و مساهمت يغمائي در مطالعات سعدي شناسي قزويني

مهم‌ترين مطالب درباره وجه ارتباط سعدي با معاصرانش، همچنان در مقاله بي بديل «ممدوحين شيخ سعدي» از علامه قزويني جلوه‌گراست و اگرچه هشت دهه از چاپ آن مي‌گذرد، توضيحات او را شايد تنها با برخي نکات ريزبتوان تکميل کرد و افراد يا اشعار کم شماری را براساس منابع يافته شده در ادوار بعدي، ممکن است بتوان به نوشته قزويني اضافه نمود. اين رساله يا مقاله، چند مرتبه به «طبع» رسيد و يکي از آخرين آن‌ها، چاپي است که در «مقالات قزويني» در دهه شصت منتشر شد.^{۷۰} اما پيشينه انتشار اين مقاله بلند - که قزويني از پاکنويس کردن آن در شنبه ۳۰ بهمن ۱۳۱۶ (۱۸ ذی الحجه ۱۳۵۶ ق) فراغت يافت^{۷۱} - چنين است که در اواخر سال ۱۳۱۶ و نيز اوایل سال ۱۳۱۷ دو بار در «طهران» چاپ شد:

- «ممدوحين شيخ سعدي»، بقلم آقای محمد قزويني، سعدي نامه، يادگار هفتصدمين سال تأليف گلستان، تعليم و تربيت، شماره ۱۱-۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، چاپ خودکار، صص ۷۱۴-۷۹۱ [که يک شماره از مجله «تعليم و تربيت» است که ويژه‌نامه مربوط به سعدي به شمار مي‌رود و به اقتضای روزگار خود، ويژه‌نامه‌ای بسيار پربار و مفيد محسوب مي‌شود. مقاله قزويني، يک مقاله از مقالات موجود در اين ويژه‌نامه است]؛

- ممدوحين شيخ سعدي، تأليف علامه استاد آقای محمد قزويني، ضميمه مجله «تعليم و تربيت»، شرکت چاپ خودکار و ايران، فروردين ۱۳۱۷، ۱۰۰ صفحه [که کتابي مستقل با صفحه‌عنوان کتابي، و دارای نمايه‌های متنوع از صفحه ۸۲ به بعد، و يک غلط‌نامه در انتهای اثر است].

۷۰. مقالات قزويني، ج ۳، صص ۵۴۸-۶۷۷.

۷۱. چنين است رقم او در انتهای اين مقاله اش: «تمام شد پاکنويس مقاله راجع بممدوحين شيخ بزرگوار سعدي عليه الرحمة بقلم مؤلف حقيران محمد بن عبدالوهاب قزويني عفي عنه در روز شنبه هجدهم ذی الحجه سنه هزار و سيصد و پنجاه و شش هجری قمری مطابق سی ام بهمن ۱۳۱۶ هجری شمسی والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً» («ممدوحين شيخ سعدي» چاپ مستقل، ص ۷۹). اين رقم، در انتهای چاپي که در مجله ويژه‌نامه مجله تعليم و تربيت، سال ۱۳۱۶، شماره بهمن و اسفند، موسوم به «سعدي نامه» منتشر شد وجود ندارد. در چاپي که از مقاله قزويني در اين مجله شده، در انتها فقط به ذکر «۳۰ بهمن ۱۳۱۶ - محمد بن عبدالوهاب قزويني» بسنده شده است و چون در چاپ «مقالات قزويني» (دهه شصت) نيز اين رقم به همين کوتاهی نقل شده، ترديد نمی‌توان کرد که جريزه‌دار نيز از روی چاپي که در مجله تعليم و تربيت شده بوده به حروفچيني و طبع مقاله قزويني پرداخته است.

در هر دو چاپ قديم، يعني هم چاپ مقاله‌ای ۱۳۱۶ (موجود در «سعدي نامه») و هم چاپ مستقل ۱۳۱۷، تصاویری برگزيده از دستنويس‌های کهنی از کلیات سعدي در لابلای صفحات تعبيه شده که برخي از آن‌ها را قزوینی تا آن زمان هيچ گاه ندیده بود و تنها به واسطه يادداشت‌هایی که حبيب يغمائي جوان - که در آن روزگار در تصحيح کلیات سعدي به محمد علی فروغی ياری می‌رسانيد - برای او فرستاد از پاره‌ای اطلاعات موجود در آن‌ها بهره‌مند گرديد. اما سؤال پراهميت در اين باره آن است که بدانيم کدام چاپ را بایستی چاپ اصلی و به‌تعبير ديگر مبنای پژوهش‌ها و مطالعات سعدي شناسي در نظر داشت. زيرا اين دو چاپ لابد با يکديگر اختلاف‌های جزئی در طبع و حروفچيني دارند. در اين باب لازم است بدانيم که هيچ يک از اين دو چاپ، افست يا چاپ تصويری از روی دیگری نيست و هر دو، مستقلاً با حروف سربي چيده و در مطبعه به طبع رسیده‌اند. از اين رو بسيار طبيعي است که هنگام حروفچيني در چاپخانه، بدخوانی‌هایی صورت گرفته و اغلاطي به متن راه يافته باشد و اجازه ندهد که اين دو چاپ صددرصد و به صورت تام و تمام با يکديگر يکسان باشند. شايد به واسطه تأخر چاپ مستقل (۱۳۱۷) از چاپ مجله‌ای (۱۳۱۶)، طبيعي باشد که فرض کنيم خود قزوینی به آن به دیده چاپ نهایی ترو اصلاح شده‌تر می‌نگريسته است. اينک لازم است توضيحات کلی دیگری درباره اين چاپ ۱۳۱۷ عرضه شود تا ارزش آن و سپس ارزش يکي دو نسخه از آن که در کتابخانه دانشکده ادبيات تهران محفوظ است روشن گردد. در آن صورت در خواهيم يافت که برای چاپ مجدد مجموعه آثار قزوینی، لازم خواهد بود که به اين چاپ مستقل ۱۳۱۷ به مثابه چاپ نهایی اثر بنگريم و آن را از اين پس مبنای ملاحظات و مطالعات سعدي شناسي قرار دهيم.

اين چاپ مستقل (فروردين ۱۳۱۷) پس از عنوان، از ص ۲ آغاز می‌شود و مطالب بدنه اصلی مقاله (رساله) به صفحه ۷۶ ختم می‌گردد. از صفحه ۷۷ تا پايان صفحه ۷۹ «توضيح در خصوص "ملک سليمان"» به همراه رقمی از علامه قزوینی (منقول در پانويس دوم اين يادداشت) و سپس از صفحه ۸۰ تا پايان صفحه ۸۱ نيز «توضيح در خصوص کلمه علکان» قرار دارد. آنچه پس از اين، يعني از صفحه ۸۲ آمده و در هيچ يک از دو چاپ مجله «تعليم و تربيت» ۱۳۱۶ و به تبع آن چاپ مقالات قزوینی (۱۳۶۳) ديده نمی‌شود، فهرس انتهای اثر است که نشان می‌دهد تلاشی هم برای فايده‌مند کردن اين مقاله پراسم، در آن ساليان صورت گرفته بوده است. در ادامه روشن خواهد شد که اين فهرس را چه کسی

بسیار قدیمی مصحح مضبوط طهران مرحمت فرموده سواد برداشته و برای اینجانب فرستاده‌اند. موقع را مغتنم دانسته کمال تشکر و سپاسگزاری و امتنان قلبی خود را از زحمات فاضل معزی‌الیه خدمت ایشان تقدیم میدارم»^{۷۳}.

برای ثبت ارزش بیشتر این سه نسخه چاپی موجود در گنجینه نفیس دانشکده ادبیات تهران (کتاب‌های قزوینی)، به اصلاحاتی که در برخی صفحات هریک از آن‌ها به خط و با خودنویس خود قزوینی ثبت شده اشاره می‌گردد تا در پژوهش‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. اما پیش از هر چیز، تفکیک این سه نسخه همسان، از نظر شماره ثبت در کتابخانه:

- نسخه اول: به شماره ۸۱۶۱، ۳۱/م ۵۵۴س، ق/، ۱۳۱۷، ن ۵.
- نسخه دوم: به شماره ۸۱۶۱، ۳۱/م ۵۵۴س، ق/، ۱۳۱۷، ن ۶.
- نسخه سوم: به شماره ۸۱۶۱، ۳۱/م ۵۵۴س، ق/، ۱۳۱۷، ن ۷.

و اینک برخی مطالب اصلاح شده به خط قزوینی در موضعی از این سه نسخه:

ص ۱۴، ذیل بخش «۳- اتابک مظفرالدین سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی»، عدد پانویس «عین عبارت تاریخ گزیده از قرار ذیل است...» را برای این جمله از اوایل این بنده زده است: «پس مذکور قبل، چنانکه از تاریخ گزیده و مزارات شیراز مستفاد میشود شیخ از بستگان و منتسبان این شاهزاده بوده و همانا تخلص وی نیز از نام او مأخوذ است». در واقع محل عدد پانویس، دقیقاً این جا و در انتهای این جمله تعیین شده و این با چاپ موجود در «سعدی‌نامه» و به تبع آن چاپ موجود در مقالات قزوینی تفاوت خواهد داشت^{۷۴} [نسخه اول و سوم].

ص ۳۳، ذیل عنوان «۷- اتابک ابش خاتون...»، او اواخر بند دوم این بخش، مطلبی با خودنویس در حاشیه نسخه دوم دانشکده به خط قزوینی افزوده شده است. اصل جمله در چاپی چنین بوده است: «از استماع این اخبار نایره غضب ارغون بفلک اثیر رسیده ایلیچیان متعاقب و متوالی بشیراز فرستاد و اتابک ابش خاتون را با جمیع خواص و کسان او که در آن غایله دستی داشتند با اهانت و اذلال تمام بار دو و احضار نموده...»^{۷۵}. با ترسیم خطی بالای جمله اخیر، در حاشیه درباره آن چنین افزوده شده است: «در حدود سنه ۶۸۴ یا در خود آن سال» به همراه چندین نشانه «ظ» [= ظاهراً] در

استخراج کرده است. از صفحه ۸۲ تا پایان صفحه ۹۱ «فهرست اسماء الرجال»، در صفحه ۹۲ «نامهائی که برای مثل ذکر شد و لفظ آنها مقصود است»، در صفحات ۹۳ تا ۹۵ «فهرست الاماکن و القبائل» و در صفحات ۹۶ و ۹۷ «فهرست اسماء الکتب» قرار دارد. در دو صفحه ۹۷ و ۹۸ «فهرست مطالب» رساله آمده است.

در صفحه ۱۰۰ نیز که رقم صفحه شمار ندارد «غلطنامه» دیده می‌شود. آنچه در انتهای این غلطنامه چاپ شده و بحث درباره آن ضروری به نظر می‌رسد آن است که استخراج این فهرس و همچنین نظارت بر طبع مستقل اثر را حبیب یغمایی جوان بر عهده داشته است. نخست، عین توضیح موجود در انتهای «غلطنامه»: «فهرست اسامی خاص بوسیله مصحح تنظیم شده و اگر نقص و اشتباهی در آن باشد موجب کمال شرمساریست». پرسش مهم آن است که آیا این جمله، از زبان قزوینی است؟ قطعاً نه. زیرا اولاً و خود را مصحح فرم‌های مطبوعه نمی‌خواند؛ در ثانی در دو نسخه از سه نسخه‌ای که از این چاپ مستقل در کتابخانه دانشکده ادبیات، بخش «کتاب‌های چاپی قزوینی» وجود دارد، قزوینی به خط خود توضیحی را در ادامه عبارت «بوسیله مصحح» افزوده و جمله را به این صورت در آورده است: «فهرست اسامی خاص بوسیله اینجانب مصحح این رساله حبیب یغمائی تنظیم شده و اگر نقص و اشتباهی در آن باشد موجب کمال شرمساریست» (رک: تصویر این فقره)^{۷۶}.

در اینجا می‌توان به سهمی که یغمایی در پیشبرد یافته‌های قزوینی پیرامون ممدوحان سعدی داشته، با نقل برخی جملات موجود در متن چاپ شده همین مقاله، اشاره کرد. این عبارات، میزان اعتماد قزوینی مشکل پسند و دقیق‌النظر را به پژوهنده جوان معاصر خویش روشن می‌کند. قزوینی، از یغمایی خواسته بوده که عناوین اشعار سعدی در برخی دستنویس‌های کهن موجود در تهران را که فروغی از صاحبان آن‌ها به امانت گرفته بوده، برای او رونویسی نماید. این یادداشت‌ها، در چند موضع از رساله قزوینی نقل شده، که یکی از آن‌ها چنین است:

«عنوان این مدیحه را با عنوان مدیحه آتی الذکر و همچنین کلیه عناوین قصاید و غزلیات شیخ را بخواهش این ضعیف، آقای حبیب یغمائی از جوانان بسیار فاضل ادیب باذوق ایران و از اعقاب دختری مرحوم یغما شاعر معروف، از روی چند نسخه

۷۳. ممدوحین شیخ سعدی، ص ۲۵؛ مقالات قزوینی، ج ۳، صص ۵۸۶-۵۸۷. در این باره، نیز رک: «علامه محمد قزوینی»، صص ۲۸۸-۲۸۹.

۷۴. رک: مقالات قزوینی، ج ۳، ص ۵۶۹.

۷۵. مقالات قزوینی، ج ۳، ص ۵۹۹.

۷۶. طبق شماره‌هایی از این سه نسخه چاپی که در ادامه خواهد آمد، این اصلاحیه، در نسخه‌های اول و سوم دیده می‌شود.

اطراف این عبارت.

ص-۵۹، ذیل عنوان «۱۷-ایلخان یعنی هولاکو ظاهراً»، سطر نخست صفحه دوم، عبارت «تصرف جمیع قلاع همه این وقایع در عهد هولاکو و فرمان او روی داده»، که در نسخه های اول و سوم، به این شکل اصلاح شده است: «تصرف جمیع قلاع آن مملکت همه این وقایع در عهد هولاکو و فرمان او روی داده»^{۷۶}.

ص-۶۷، ذیل عنوان «۲۲-شیخ شهاب الدین سهروردی»، در نقل بیستی از برخی نسخه های بوستان، اصلاحی صورت گرفته است. به این صورت که، بیت نخست به این ضبط طبع شده: «مقالات مردان بمردی شنو/ نه سعدی از سهروردی شنو» [کذا، دارای نقصان وزنی]. این بیت، در چاپ موجود در «سعدی نامه» و به تبع آن، «مقالات قزوینی» چنین نقل شده است: «مقالات مردان بمردی شنو/ نه سعدی که از سهروردی شنو»^{۷۷}. اما عجیب اینجاست که در انتهای پانویس مربوط به این بیت، می خوانیم: «و مصراع دوم در بعضی از نسخ مذکوره چنین است: نه سعدی که از سهروردی شنو»؛ و این عین همان بیت است بدون هیچ تفاوتی. قزوینی در هر سه نسخه چاپی «ممدوحین شیخ سعدی» چنین اصلاح کرده است: «نه از سعدی از سهروردی شنو». تنها در چنین صورتی است که نقص برطرف می شود. او در حاشیه نسخه دوم، همچنین مطالبی با مداد درباره سهروردی افزوده است: «این سهروردی را در اعلام زرکلی ندارد، رجوع شود نیز به و صاف ص ۳۲۸ در... شهاب الدین، و [الاکنی و الالقاب شیخ عباس قمی ۲: ۲۹۳، و مرآة الجنان یافعی ج ۴، ص ۷۹-۸۲، و حبیب السیر جزو ۳ جلد ۲ ص ۷۸]»^{۷۸}.

۷۶. در مقالات قزوینی، ج ۳، ص ۶۴۰ نیست و بایستی اصلاح در آن جا نیز اعمال شود.

۷۷. مقالات قزوینی، ج ۳، ص ۶۵۴.

۷۸. اصلاحات قزوینی به همین ها محدود نیست، زیرا او برای زیرنویس برخی تصاویر نیز، مطالب و نکته های تازه ای داشت که لازم بود اعمال شود. این تصاویر، اغلب در «مقالات قزوینی» نیامده و در «سعدی نامه» هم، در مواضعی غیرمناسب با مقاله قزوینی قرار گرفته است. از این رو، وی به چاپ مستقل کتاب، یعنی صورت کتابی اثر خویش، چاپ ۱۳۱۷، به نگاه تحریر نهایی می نگریست که در پاره ای موارد نیازمند اصلاح بود، و بدین منظور برخی توضیحات را طی نامه برای حبیب یغمایی می فرستاد. مثلاً در نامه ای موزج ۷ مرداد ۱۳۱۷ از پاریس، برای یغمایی نوشت: «آقای عزیز محترم معظم. بعد از فرستادن مکتوب چند روز قبل خود راجع به دارالاسلم که در زیر عکس مقابل ص ۳۲ از ممدوحین سعدی چاپ شده و در آن مکتوب عرض کرده بودم که با احتمال قوی دارالاسلم اشتباه است و مراد از آن قبرستان سلم است از مراجعه مآخذ دیگر مانند شیرازنامه و فارسنامه ناصری و غیره حالا قطع و یقین دارم که همان حدس بنده صحیح است و دیگر مجرد احتمال نیست و قطعاً تعبیر دارالاسلم اشتباه و تحریف است از آنکس که این اطلاع را بسرکار داده و صواب بدون هیچ شک و شبیه "در سلم" است بجای دارالاسلم (یعنی در بجای دارو حذف الف و لام از اسلم) زیرا که در حقیقت قبرستان معروف سلم بیرون دروازه معروف بهمان اسم یعنی در سلم واقع بوده است که اکنون این دروازه را دروازه شاه داعی می گویند، و این دروازه مابین جنوب و مغرب شیراز یعنی در همانجائی که بناء "ابش خاتون" واقع است که مرقوم داشته ای در خود شیراز واقع است (رجوع فرمائید به فارسنامه ناصری

غلطنامه

صفحه سطر	خطا	صواب	صفحه سطر	خطا	صواب
۱۴	۳۳	چرندان	۱۴	۱	صلاحیت
۱۳	۳۸	علامتی	۲۲	«	(تشدید یا)
۲۵	۴۰	هینین	۲۲	«	شیراز-نامه
۱۹	۴۷	نیر	۲۲	«	همانجا
۲۱	۴۷	«	۲۳	«	زنکی مثل ما
۲۱	۴۷	«	۲۴	۱۰	جوانی
۲۰	۵۲	«	۳	۱۶	نقش های
۶	۵۶	«	۵	۱۹	محمد بن
۱۱	۶۰	«	۲۱	۲۲	ابوبکر
۲۳	«	«	۲۵	۲۷	ناتم و
۱۱	۶۴	«	۱۲	۲۸	در شرح
۲۰	۶۵	«	۲۲	۲۹	بن (سرسطر)
۹	۶۷	«	۲۳	«	کله را
۱۱	۶۸	«	۲۴	«	موضوع
۲۳	۷۳	«	۲۳	۳۲	کله
۱۵	۷۶	«	۲۳	۳۲	کله

۲۰۱- نظیر این اشتباه مکرر واقع شده

از خوانندگان دقیق تمنی دارد اغلاطی را که در موقع چاپ در این کتاب راه یافته اصلاح فرمایند.
فهرست اسامی خاص بوسیله الجاناب تنظیم شده و اگر نقص و اشتباهی در آن باشد موجب کمال شرمساریست.

جلد ۳ ص ۲۲) که تصریح باین فقره نموده است و ذکر این دروازه بعنوان در سلم و دروازه سلم و ذرب سلم بسیار مکرر در شیرازنامه آمده است (رجوع شود به صفحه ۱۰ از مقدمه آن کتاب و به صفحات ۲۸، ۳۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۵۵ از خود کتاب) و در قاموس نیز در ماده سلم تصریح می کند که "باب سلم محله بشیراز". باری مقصود اینست که در بعضی از نسخی از این رساله که به بعضی فضلاء هدیه می دهید بد نیست اگر در صورت داشتن وقت دارالاسلم را به در سلم تصحیح فرمائید با دست و اگر هم بعدها چاپ دومی از این کتاب خواستید بفرمائید حتماً دارالاسلم را به در سلم باید تبدیل فرمائید. انشاء الله. عرض دیگر آنکه اگر چاپ دومی احیاناً از این کتاب شد خوب است عبارت "تمام شد پاکتویس مقاله راجع به ممدوحین شیخ بزرگوار سعدی علیه الرحمه به قلم مؤلف حقیقاً محمّد بن عبدالوهاب قزوینی عفی عنه الخ" را بکلی در آخر مقاله یعنی بعد از توضیح راجع به "علکان" مقرر فرمائید چاپ کنند. دیگر تصدیق را ختم می کند. با تجدید مراتب تشکر و امتنان ابدی، مخلص، محمد قزوینی (چاپ شده دز یغما، ۲۶ ش، ۸، ۱۳۵۲، مسلسل ۳۰۲، صص ۴۸۰-۴۸۱).

۹. فهرست اهداکنندگان کتاب به کتابخانه دولتی تربیت در تبریز

مرحوم محمدعلی تربیت (۱۲۹۲ق / ۱۲۵۶ش - ۱۳۵۸ق / ۱۳۱۸ش) بنیان‌گذار یکی از کتابخانه‌های عمومی به شیوه نوین در ایران در شهر تبریز بود و قصد داشت پس از تأسیس کتابخانه خود موسوم به تربیت در ۱۳۰۰ شمسی، هر ساله فهرستی برای معرفی آثار چاپی و خطی موجود در این کتابخانه تدوین و منتشر کند. از قرار معلوم، گویا شماری از منابع موجود در این کتابخانه - که بخش کتب چاپی فارسی، عربی و لاتین آن هنوز پابرجاست^{۷۹} - در اوایل تأسیس، در کتابچه یا کتابچه‌هایی معرفی شد که علی‌الظاهر نمونه‌ای از آن‌ها باقی نمانده است. آنچه از فهرست کتابخانه تربیت اینک در آرشیوها و گنجینه‌های داخلی برجای مانده، نشان می‌دهد که دست‌کم از سال ۱۳۰۲ش فهرست کم‌برگی حاوی ۲۴ صفحه، توسط مطبعه امید، نشریافت، که در شمار نخستین فهرست کتابخانه‌های عمومی کشور به شمار می‌رود و سال نشر آن به تاریخی پیش از نشر فهرست آستان قدس و مجلس تعلق دارد^{۸۰}. فهرست دیگر این کتابخانه که نسخه‌ای از آن در گنجینه کتابهای مرحوم قزوینی در دانشکده ادبیات محفوظ است^{۸۱}، فهرست مفصل‌تری است که یک سال بعد، به سال ۱۳۰۳ش نشریافت و در صفحه عنوان به مثابه «سال ۴ - نمره ۴» معرفی شد^{۸۲}.

تأسیس چنین کتابخانه‌ای، از آرزوهای تربیت بود که خود به کتابشناسی و مجموعه‌داری در میان همالان خویش شناخته می‌شد و بهترین گواه تسلط او بر منابع، «دانشمندان آذربایجان» اوست. درباره زمان تأسیس کتابخانه تربیت، حاج محمد نخجوانی، مجموعه دار بزرگ خطی در تبریز، که پس از درگذشت تربیت، فهرست دیگری را برای کتب خطی این مجموعه تهیه کرد^{۸۳}، چنین نگاشت: «کتابخانه‌ای که فهرست کتابهای خطی آن اینک از نظر خوانندگان محترم می‌گذرد در سال ۱۳۰۰ شمسی بسعی و جدیت مرحوم میرزا محمدعلی خان تربیت که در آن وقت رئیس اداره فرهنگ آذربایجان بود تأسیس یافته که آن مرحوم عشق و علاقه مفراطی بعالم کتاب و تشکیل کتابخانه داشت و در شناختن کتب شرقی صاحب ید طولی و در واقع فهرست ناطق کتب بود»^{۸۴}.

بد نیست برای به دست آوردن تصویر درستی از تاریخچه این کتابخانه و وضعیت آن در دهه‌های بعدی، گزارش پراهمیتی که در سال ۱۳۴۵ درباره آن نشریافت، بازخوانی شود:

۷۹. محمدعلی تربیت، صص ۲۵-۲۶: «مجموعه نشریات کتابخانه تربیت، با بیش از ۱۳۰ نشریه که اغلب قدمتی نزدیک به یک قرن دارند، از غنا و ارزش بسیاری برخوردار است. امروزه این مجموعه به خانه مطبوعات، و نسخ خطی کتابخانه به مخزن نسخه‌های خطی کتابخانه ملی تبریز منتقل شده است. اکنون مجموع کتابهای چاپی فارسی کتابخانه تربیت بیش از بیست هزار و کتب چاپی لاتین آن نزدیک به پنج هزار جلد است. در سال‌های اخیر برای توسعه فضا و به‌کارگیری روش‌های نوین و خدمات رایانه‌ای در این کتابخانه اقدام شده است». این در حالی است که در گزارش دیگری، درباره ادغام تمام کتاب‌های کتابخانه تربیت (بعدها با نام کتابخانه دولتی تبریز) در «مجموعه کتابخانه ملی» این شهر، به خطا اعلام گردید: «کتاب‌ها و دستنویس‌های کتابخانه دولتی تربیت نیز به این مجموعه منتقل شد» (گنجینه‌های دستنویس‌های اسلامی در ایران، ص ۴۵).

۸۰. محمدعلی تربیت، صص ۲۳-۲۴.

۸۱. هرچند قزوینی، با اذعان به فضل و دانش وی، از او گله‌مند بود که چرا تربیت در طول مدت مدید معاشرت با وی در اروپا، هیچ‌گاه از نسخه‌های نفیس ملکی خویش سخنی به میان نیاورد و به تبع آن اجازه نداد قزوینی از او کتاب عاریه بگیرد (محمدعلی تربیت، ص ۳۸). این نبود مفاهمه و مراوده، چیزی از قدر این دونمی‌کاهد و قضاوت با تاریخ است. اما این را نیز نباید ناگفته گذاشت که قزوینی اغلب متوقع امانت گرفتن کتاب، از نوع چاپی یا خطی آن بود، و حتی برخی صاحبان نسخه‌های خطی از ممالک دور از طریق پست برای او کتاب ارسال می‌کرده‌اند. این روحیه، هر مجموعه‌داری را نگران می‌کند.

۸۲. فهرست کتب کتابخانه و فرائض دولتی تربیت (رک: منابع). آیا این فهرست، مجلد چهارم فهرست این کتابخانه بوده است؟ (رک: محمدعلی تربیت، صص ۲۳-۲۴).

۸۳. برای گزارشی از فهرستی که برای این کتابخانه منتشر شده، رک: محمدعلی تربیت، ص ۲۶.

۸۴. فهرست کتابخانه دولتی تربیت تبریز، کتب خطی، ص [یک] مقدمه.



قسمتی از مخزن کتابخانه تربیت تبریز

«کتابخانه تربیت تبریز: در تاریخ مردادماه ۱۳۰۰ خورشیدی شادروان محمدعلی تربیت رئیس فرهنگ و اوقاف وقت تبریز ضمن فعالیت‌های پرارزش خویش به فکر تأسیس کتابخانه افتاد و در پیشرفت این کار خطیر از مساعدت و همدلی دوستان دانشمند خود از جمله مرحوم صفوت، حاج محمدعلی بادامچی و حاج محمدعلی آقا حیدرزاده برخوردار گردید. در آغاز اتاقی در اداره فرهنگ بدین کار اختصاص یافت سپس محل مخصوصی در جنب دبیرستان فردوسی از محل عواید فرهنگی ساخته شد و کتابخانه که در آن وقت ۲۱۲۷ جلد کتاب داشت به آنجا انتقال یافت و «کتابخانه و قرائتخانه عمومی معارف» نامیده شد. سپس مرحوم تربیت برای تحصیل کتاب و تمرکز در آن صادقانه کوشش‌ها کرد و رنجها برد، منتها از بیگانه و آشنا کشید تا به همت آن رادمرد دانشپرور شماره کتابهای کتابخانه به پنجهزار رسید. در سال ۱۳۱۲

بهمت زعمای فرهنگ و دانشمندان تبریز و ادامه فعالیت‌های پرارزش مؤسس ارجمند که در آن وقت نماینده مجلس شورایی بود کتابخانه به محل فعلی که خاص کتابخانه ساخته شده بود انتقال یافت. در حال حاضر [۱۳۴۵ش] کتابخانه تربیت شامل یک تالار بزرگ مطالعه، مخزن کتاب و دو اتاق است و زیر نظر رئیس و چهار کارمند و یک خدمتگزار اداره می‌شود. کتابخانه ۷۱۷۰ مجلد کتاب فارسی^{۸۵} به زبانهای شرقی و ۵۳۹۰ جلد به زبانهای فرانسه، روسی، انگلیسی، آلمانی دارد. علاوه بر این دارای ۲۶۳ مجلد کتاب خطی است که بعضی آنها از نوادر و پرارزش است و چند نسخه آنها اینست:

۱. کتاب تورات به زبان عبری و بر روی پوست آهونوشته شده. این کتاب تقریباً هزار سال پیش کتابت یافته و به اعتقاد کتابشناسان داخلی و خارجی از نظر نفاست و قدمت بی‌همتاست^{۸۶}.

۲. حدود العالم در جغرافیای عمومی. سال ۶۵۶ هجری به خط عبدالقیوم حسین بن علی فارسی نوشته شده و بعد از ترجمه تاریخ و تفسیر طبری اولین کتاب فارسی است که بجا مانده و قبل از شاهنامه فردوسی تألیف شده است^{۸۷}...^{۸۸}.

در این یادداشت، با بازبینی صفحاتی از فهرست چاپ ۱۳۰۳ش، که حاوی اطلاعات مختصر شماری از کتب چاپی و خطی مجموعه مزبور است، اسامی برخی از اهداکنندگان کتاب به این کتابخانه، به صورت الفبایی و به شکلی قابل انتفاع عرضه می‌گردد^{۸۹}. از این رو، لازم است پژوهشگری با دقت و رجالی،

۸۵. اصطلاح «کتاب فارسی» برای سرشماری منابع کتابخانه‌ها، عموماً به آثاری اطلاق می‌شود که به خط فارسی (عربی) چاپ شده باشد و منابعی به زبان‌های عربی، ترکی و جزآن را نیز در برمی‌گیرد.

۸۶. این دستنویس، گویا همان است که اینک در کتابخانه ملی تبریز نگهداری می‌شود.

۸۷. این گزارش، در عین صحت نسبی مطالب، لحن مبتدیانانه دارد. خود حدود العالم نیز، در ردیف کتاب‌های خطی کتابخانه تربیت نبوده، بلکه چاپ عکسی آن که در روسیه نشر یافته، در کتابخانه تربیت وجود داشته است.

۸۸. خدمتگزاران عالم کتاب، صص ۱۱۲-۱۱۴. دو تصویر از تصاویر موجود در منبع مورد اشاره، در نوشتار حاضر آمده است (برگرفته از صفحات ۱۱۳-۱۱۴).

۸۹. امید است فهرست اعلام پیش رو، با همه نقصان خود از منظر روش‌شناسی، نتایجی برای علاقه‌مندان داشته باشد و دست‌کم ارزش چنین منابعی را از منظر تاریخ کتابخانه‌ها، رجال ادبی و سیاسی و نیز تاریخ شهرها تذکر دهد. اطلاعات ده صفحه نخست این منبع، به‌تمامی استخراج

از محمدحسین تبریزی چاپ تبریز (ص ۷)؛
 در بحر مناقب از علی بن ابراهیم چاپ تبریز
 (ص ۷)؛ کتاب التعجب للکراچکی نسخه
 خطی (ص ۷)؛ تمهید القواعد از شهید ثانی
 نسخه خطی (ص ۸)؛ تلویح فی شرح الاصول
 نسخه خطی (ص ۸)؛ تعلیقات محقق بر
 ارشاد علامه از محقق ثانی نسخه خطی
 (ص ۹)؛ حاشیه بر شرح لمعه از ابراهیم نسخه
 خطی (ص ۹)؛ جامع الفوائد فی تکملة شرح
 القواعد، از عبدالله شوشتری نسخه خطی
 (ص ۹)؛ بغیة الطالب از شیخ جعفر کبیر نسخه خطی (ص ۱۰)؛ مقاصد
 العلیة [کذا] از ابو عبدالله الشهد نسخه خطی (ص ۱۰)؛ منظومه ارث
 و رضاع از محمد علی نسخه خطی (ص ۱۰)؛ ناصر الاخوان از
 ناصرالدین مساعد نسخه خطی (ص ۱۰)؛ شرح عقاید و نهج
 المسترشدين از علامه حلی نسخه خطی (ص ۱۰)؛

اسماعیل، آقاشیخ: کتاب الفصول فی الاصول از محمدحسین
 چاپ تبریز (ص ۸)؛ اشارات الاصول از محمد ابراهیم چاپ طهران
 (ص ۸)؛

اعتصام السلطان، آقا: رباعیات باباطاهر نسخه خطی (ص ۴۸)؛
 امیرخیزی، آقای حاجی اسماعیل: مجله ادب چاپ تبریز
 (ص ۱۶)؛ معجم الادباء یاقوت الحموی چاپ مصر (ص ۳۶)؛
 امین اوقاف، آقای: تفسیر جلالین چاپ مصر (ص ۲)؛

بادامچی، حاجی محمد علی: تفسیر فخر رازی چاپ اسلامبول
 (ص ۲)؛ تفسیر علامه ابی السعود چاپ اسلامبول (ص ۲)؛

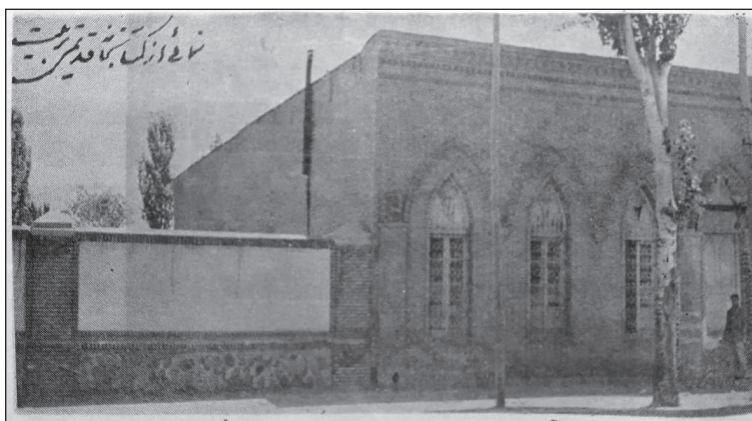
بنایی، آقا میرزا احمد: کامل المبرد از محمد بن زید المبرد چاپ
 اسلامبول (ص ۲۲)؛

بهجت افندی، قاضی: تاریخ آل محمد از قاضی بهجت چاپ
 تبریز (ص ۲۹)؛

بیرجندی، سید محمد: شرعیات فقه فارسی از سید محمد
 بیرجندی (مؤلف اثر و اهدا کننده یکی است) (ص ۱۰)؛
 بیوک آقا تمجید زاده: رسائل ابی بکر الخوارزمی چاپ بمبئی
 (ص ۴۳)؛

بیوک آقا ضیائی، سید: حسن التوسل الی صناعة الترسل از محمود
 بن سلیمان چاپ مصر (ص ۴۳)؛

تربیت، آقای بهمن خان: مبادی علم السیاسة از سلیم عبدالاحد



فهرست تمامی اهداکنندگان را از این منبع استخراج کند تا سندی
 زنده از شکل‌گیری یک کتابخانه مدرن در تبریز حوالی یکصد سال
 قبل و مشارکت طبقاتی از فرهیختگان و رجال علاقه مند به کتاب
 پیش رو داشته باشیم.

ابراهیم، آقا سید: حقیقة الامر محمد رفیع چاپ تبریز (ص ۷)؛
 شرح حدیث فقه رضوی از حاجی زین العابدین خان چاپ تبریز
 (ص ۷)؛

ابراهیم خان ادیب زاده، آقای: وطنیات از ادیب خلوت چاپ تبریز
 (ص ۴۸)؛

اجلال الملک، آقای: تفسیر صفی علی شاه چاپ طهران (ص ۲)؛
 ادب الدنيا والدين للماوردی چاپ اسلامبول (ص ۱۸)؛

احمد، آقا سید: اشارات الاصول از محمد ابراهیم چاپ طهران
 (ص ۸)؛

احمد آقا کتابفروش، حاجی: تذکرة الأئمة مجلسی چاپ تبریز
 (ص ۶)؛

ادیب العلماء، آقای: وسیلة ابن حمزه نسخه خطی (ص ۱۰)؛ زبان فارسی
 از ادیب العلماء چاپ تبریز (ص ۲۰)؛

اربابی، آقای: کتاب آبی ترجمه علیقلی خان بختیاری چاپ
 طهران (ص ۱۴)؛

ارفع الملک، حاجی: تفسیر کشف چاپ مصر (ص ۲)؛ مجمع
 الخواص خطی (ص ۲)؛ دروغ الواقیه [کذا] از ابوالقاسم بن طائوس
 نسخه خطی (ص ۴)؛ کتاب الاستبصار شیخ طوسی نسخه خطی
 (ص ۵)؛ نثر اللثالی و منهاج الکرامة شیخ طوسی [کذا] چاپ تبریز
 (ص ۶)؛ حیوة القلوب مجلسی (ص ۶)؛ مفتاح الغیب مجلسی
 نسخه خطی (ص ۶)؛ لثالی العلیة [کذا] فی ترجمة الجواهر السنیة

شد و از سایر صفحات نیز، به شکل انتخابی مطالبی چیده گردید.

- چاپ مصر (ص ۱۲)؛
 دشتى، آقاى: مجموعۀ شفق سرخ از آقاى دشتى چاپ طهران (ص ۱۶)؛
 تربيت، ميرزا محمدعلى خان: تفسير صافى چاپ طهران (ص ۲)؛
 دهقان، آقاى: مجموعۀ فكر آزاد از آقاى دهقان چاپ مشهد (ص ۱۶)؛
 تفسير سورة العصر شيخ محمد عبده چاپ مصر (ص ۳)؛ فروع
 كافى چاپ بمبئى (ص ۵)؛ كتاب التهذيب شيخ طوسى چاپ
 طهران (ص ۵)؛ صحيح البخارى چاپ طهران (ص ۶)؛ مناقب
 ابن شهر آشوب چاپ تبريز (ص ۶)؛ حيوۀ القلوب مجلسى چاپ
 طهران (ص ۶)؛ ايران و جنگ فرنگستان از تقى زاده چاپ برلين
 (ص ۱۳)؛ تنمة البيان فى تاريخ الافغان از سيد جمال الدين چاپ
 مصر (ص ۳۵)؛ مرزبان نامه چاپ ليدن (ص ۴۳)؛
 ثقة السلطان، آقاى: ديوان جامى با سه سرلوحه و جدول طلائسخه
 خطى (ص ۴۶)؛
 جبارخان، آقاى ميرزا: النبأى آسان از جبار چاپ تبريز (ص ۲۰)؛
 جعفر آقا امام جمعه، آقاى ميرزا: جواهر الكلام از شيخ محمد حسن
 النجفى چاپ تبريز (ص ۹)؛
 جعفر خامنه اى، آقا ميرزا: گنج ضابط از حسن نظمى چاپ
 اسلامبول (ص ۵۴)؛
 جوادخان دانش، آقاى ميرزا: خريطۀ طهران از سليمان خان چاپ
 طهران (ص ۴۰)؛
 حاج آقا كتاب فروش، حاجى: الدرۀ النجفية از محمد باقر چاپ
 طهران (ص ۱۱)؛ سفرنامه ناصر الدين شاه به مشهد چاپ طهران
 (ص ۳۹)؛ مثنوى مولانا رومى نسخه خطى (ص ۴۷)؛
 حبيب الله خان، آقاى سرتيب: مرآة العقول شرح اصول و فروع كافى
 آقا باقر مجلسى چاپ طهران (ص ۵)؛ مشكوة المصابيح از محمد
 ابن عبدالله چاپ پترزبورغ (ص ۱۰)؛
 حسن كوزه گر، حاجى: كيمياى سعادت للغزالي نسخه خطى
 (ص ۱۹)؛ تاريخ الكامل لابن الاثير چاپ مصر (ص ۳۰)؛ كتاب
 الرجال نجاشى چاپ بمبئى (ص ۳۵)؛ كتاب الرجال كشى چاپ
 بمبئى (ص ۳۵)؛
 حسنعلی خان: حقیقه الامر محمد رفیع چاپ تبریز (ص ۷)؛
 حمید السلطان، آقاى: مجمع الفضائل محمد رفیع نسخه خطى
 (ص ۶)؛
 خانم آقاى تربيت: قاموس فلسفه از رضا توفیق چاپ اسلامبول
 (ص ۲۴)؛
 خليل، آقا ميرزا: مقياس المصابيح مجلسى چاپ تبريز (ص ۴)؛
 تبريز (ص ۱۳)؛
 دكءالدوله، آقاى حاجى: ميكادونامه از حسينعلى چاپ بمبئى
 (ص ۱۴)؛ قواعد جزائيه از توفيق چاپ اسلامبول (ص ۱۵)؛
 دكءالملك: تاريخ مختصر عالم از دكءالملك چاپ طهران
 (ص ۳۱)؛ تاريخ ايران از دكءالملك چاپ طهران (ص ۳۱)؛
 رئيس التجار، آقاى: مجموعۀ اخترو ثريا از محمد طاهر چاپ
 اسلامبول (ص ۱۵)؛
 رحيم خان، آقاى ميرزا: تحية الزائر و بلغة المجاور حسين طبرسى
 چاپ تبريز (ص ۴)؛ شرح الحديثين از حاجى محمد خان چاپ
 تبريز (ص ۷)؛
 رضا اصفروف، آقاى حاجى محمد رضا: جامع التواريخ رشيد الدين
 فضل الله چاپ ليدن (ص ۳۲)؛
 رضاخان دانش، آقا ميرزا: سياحت ژورنالى از عالى بك چاپ
 اسلامبول (ص ۴۰)؛
 رهنما، آقاى: مجموعۀ ايران چاپ طهران (ص ۱۶)؛
 زينال خان، آقاى: دائرة المعارف روسى از فيليوف چاپ پترزبورغ
 (ص ۲۴)؛ حفظ الصحه روسى چاپ پترزبورغ (ص ۵۴)؛
 سر كشك زاده، آقاى: مجموعۀ اتحاد از آقاى سر كشك زاده چاپ
 مشهد و شيراز (ص ۱۶)؛
 سعيد الوزاره، آقاى: لباب التأويل فى معالم التنزيل خطى (ص ۲)؛
 سليمانخان، آقاى: مجموعۀ الحديد از آقا سيد محمد چاپ
 طهران (ص ۱۵)؛
 سيد المحققين، آقاى حاجى: تفسير روح البيان چاپ اسلامبول
 (ص ۲)؛ اساس البلاغه للعلامة الزمخشري چاپ اسلامبول
 (ص ۲۲)؛
 سيد شفيح: اسپرانتواز سيد شفيح چاپ تبريز (ص ۲۴)؛
 شمس العلماء، آقاى حاجى: تفسير كشف الحقايق چاپ باكو
 (ص ۳)؛
 صادق (امين اوقاف)، آقاى ميرزا: قواعد العقايد از خواجه
 نصيرالدين طوسى چاپ طهران (ص ۱۰)؛ كليات ملكم خان چاپ
 تبريز (ص ۱۳)؛

- صادقی، آقای میرزا مهدی خان: تاریخ زحمات ملت ایران برای تحصیل مشروطیت ترجمه میرزا احمدخان چاپ بوشهر (ص ۱۳)؛ صبا، آقای: مجموعه ستاره ایران از آقای صبا چاپ طهران (ص ۱۶)؛ صدر اردبیلی، آقای: ارشاد الفلاحه (ص ۵۹)؛ صفوت، آقای میرزا محمدعلی: منابع الحکم از آقای میرزا محمدعلی صفوة چاپ تبریز (ص ۱۹)؛ نامه دانشوران چاپ طهران (ص ۳۶)؛ نوادر الادباء از ابراهیم زیدان چاپ مصر (ص ۴۲)؛ صمدآقا وهاب اوف، آقای: کتاب المواعظ و الاعتبار از احمد بن علی المقریزی چاپ مصر (ص ۳۴)؛ ارشاد القاصد الی اسنی المقاصد از محمد بن ابراهیم چاپ مصر (ص ۳۷)؛ صمیمی، علی اکبر (مدیر کتابخانه): مصابیح الانوار محمدرفیع چاپ تبریز (ص ۷)؛ مشکوة المصابیح از محمد بن علی چاپ تبریز (ص ۱۰)؛ رساله الباقریه [كذا] فی مسائل الفقهیه [كذا] از محمد بن علی چاپ تبریز (ص ۱۰)؛ شرح عقاید عضدی للدوانی نسخه خطی (ص ۱۰)؛ ظهیر الممالک، آقای: جواهر القرآن غزالی چاپ طهران (ص ۳)؛ کتاب الامالی شیخ طوسی چاپ طهران (ص ۶)؛ بحار الانوار مجلسی چاپ تبریز (ص ۶)؛ مجموعه ناصری چاپ تبریز (ص ۱۵)؛ سرآمدان سخن از حسین دانش چاپ اسلامبول (ص ۳۶)؛ نهج البلاغه نسخه خطی (ص ۴۰)؛ عباس خان (معلم مدرسه متوسطه) آقای میرزا: که شمار زیادی کتاب یکجا اهدا کرده است (صص ۶۳-۶۴)؛ عباس خان [اقبال] آشتیانی، آقای میرزا: دوره جغرافی از اقبال آشتیانی چاپ طهران (ص ۳۸)؛ عبدالاحد، آقای میرزا: مجموعه ملانصرالدین از جلیل محمد قلی زاده چاپ تفلیس (ص ۱۵)؛ عبدالرزاق خان: اصول جغرافی از عبدالرزاق خان چاپ طهران (ص ۳۸)؛ عبدالله، میرزا: شرح کبیر للسید علی (ص ۹)؛ عدل الملکی، آقای میرزا مهدیخان: کتاب اللمع فی التصوف از ابی نصر عبدالله بن علی چاپ لندن (ص ۲۶)؛ علی کتابفروش، حاجی: قرآن مترجم چاپی (ص ۲)؛ علی اصغر، آقای میرزا: کشف الغطا از آقای تقی زاده چاپ تبریز
- (ص ۱۳)؛ علی اصغر کتابفروش، آقای میرزا: حدائق الناضره از شیخ یوسف البحرانی چاپ تبریز (ص ۹)؛ علی اکبر خامنه، آقای حاجی میرزا: اختری کبیر از مصطفی بن شمس الدین القره حصاری چاپ اسلامبول (ص ۲۳)؛ جام مظفر در شرح عروض جامی (ص ۲۹)؛ غرائب عواید ملل از حبیب الله اصفهانی چاپ اسلامبول (ص ۵۷)؛ عزیززاده، آقای میرزا جبار: المجله فی قوانین العدلیه چاپ اسلامبول (ص ۱۵)؛ علیمردانوف، آقای: عمل نوغان از علیمردانوف چاپ تبریز (ص ۵۹)؛ عیسی خسروخان، آقای: تاریخ عمومی احمد رفیق چاپ اسلامبول (ص ۳۰)؛ غلامعلی خان، آقا: آداب المشق از میرعماد چاپ تبریز (ص ۲۱)؛ غیاثی، آقای: تفسیر گونابادی چاپ طهران (ص ۲)؛ فضل الله خان احمدزاده، آقای میرزا: مشکات الحیات فی تفسیر الآیات محمدشفیع چاپ اسلامبول (ص ۳)؛ تعلیقات آقا جمال بر شرح مختصر عضدی نسخه خطی (ص ۸)؛ اصل برائة شیخ مرتضی نسخه خطی (ص ۸)؛ فیلسوف الدوله، آقای: مجموعه ایران و اطلاع از اعتماد السلطنه چاپ طهران (ص ۱۶)؛ قربان گنج پز، آقای حاجی میرزا: الانوار المحمدیه من المواهب اللدنیه از یوسف چاپ بیروت (ص ۲۹)؛ کمپانی، آقای میرزا حاجی آقا: حیوة الحیوان شیخ کمال الدین الدمیری چاپ مصر (ص ۲۳)؛ کمپانی، آقای حاجی حسین: المنجد از الاب بولس الیسوعی چاپ بیروت (ص ۲۳)؛ کوهی، آقای: مجموعه نسیم صبا از آقای کوهی چاپ طهران (ص ۱۶)؛ لطف الله خان، آقای سید: الخلافة و الامامة العظمی از محمد رشید رضا چاپ مصر (ص ۱۳)؛ مجتهدی، آقا میرزا عبدالله: ارشاد الازهان محمدصادق چاپ تبریز (ص ۷)؛ شرایع الاسلام از محقق اول چاپ تبریز (ص ۹)؛ مجتهدی، آقای میرزا علی اکبرخان: مجموعه تبریز از حسین

فشنکچی چاپ تبریز (ص ۱۶):

مجتهدی، میرزا محمد حسین آقا: تفسیر بیضاوی خطی با دو سرلوحه و جدول طلاتاریخ ۹۷۹ ق (ص ۲)؛ تفسیر شیخ محمد عبده (ص ۳)؛ مشکات السالک فی ظلم المسالک از عبدالحیم چاپ تبریز (ص ۴)؛ کتاب الغیبه ابن زینب چاپ طهران (ص ۶)؛ اختیارات مجلسی چاپ تبریز (ص ۶)؛ معالم الاصول شیخ محمد حسن چاپ تبریز (ص ۸)؛ شرح معالم از شیخ محمد تقی چاپ طهران (ص ۸)؛ حاشیه برقوانی از حاجی شیخ جواد الطارمی چاپ طهران (ص ۸)؛ محجة العلماء فی الاصاله البرائة [کذا] از شیخ محمد هادی چاپ طهران (ص ۸)؛ تهذیب الاصول از علامه حلی (ص ۸)؛ وسائل و وسیله الوسائل از حاجی محمد باقر چاپ تبریز (ص ۹)؛ منهاج النجاة از حاجی ملاعلی علی یاری چاپ تبریز (ص ۱۰)؛

مجیر دیوان، آقای: تفسیر علی بن ابراهیم القمی چاپ طهران (ص ۲)؛

محمد نمسه چی، آقای میرزا: مقایسات ابی حیان چاپ بمبئی (ص ۲۵)؛

محمد حسین آقا، آقای میرزا: مسالک الافهام للشهید الثانی چاپ تبریز (ص ۹)؛

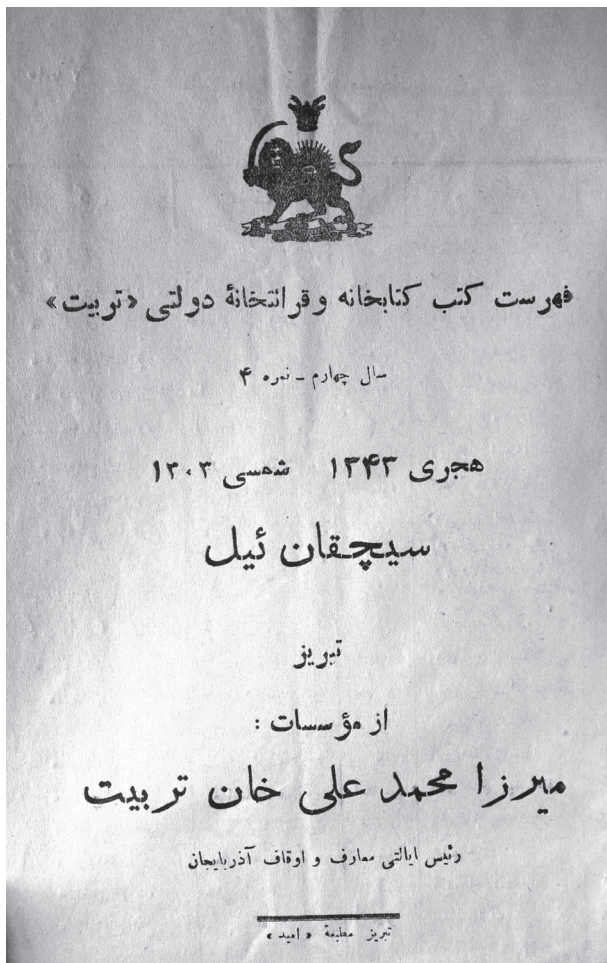
محمد زاده، آقای: کتاب ابی ترجمه علیقلی خان بختیاری چاپ طهران (ص ۱۴)؛

محمد علی اخباری، آقای میرزا: الجمع بین رأی الحکیمین افلاطون و ارسطاطالیس از ابی النصر الفارابی چاپ مصر (ص ۲۸)؛

محمد ولی میرزا: تفسیر حسن بن محمد نیشابوری چاپ طهران (ص ۲)؛ تفسیر در النظیم [کذا] چاپ طهران (ص ۳)؛ تفسیر القرآن محمد باقر زدی چاپ بمبئی (ص ۳)؛ وسائل الشیعه از محمد الحر العاملی چاپ طهران (ص ۹)؛ کتاب المتاجر از شیخ مرتضی الانصاری چاپ تبریز (ص ۹)؛ فیض الاله المالک فی حل الفاظ عمدة السالک از السید عمر برکات چاپ مصر (ص ۱۰)؛ الادب الصغیر از عبدالله ابن المقفع چاپ مصر (ص ۱۸)؛ الادب الکبیر از عبدالله ابن المقفع چاپ مصر (ص ۱۸)؛

محمد هاشم میرزا، آقای: تسلية العباد اسماعیل چاپ مشهد (ص ۷)؛

محمود آقا کتابفروش، حاجی: من لایحضره الفقیه چاپ طهران (ص ۶)؛ کتاب المنتهی از علامه حلی (ص ۸)؛



مخبر السلطنه، آقای حاجی: اصول کافی چاپ تبریز (ص ۵)؛ مشرق الشمسین شیخ بهائی نسخه خطی (ص ۶)؛ مفاتیح الشرایع از ملامحسن فیض نسخه خطی (ص ۹)؛ درة الالفیة [کذا] از ابو عبدالله الشهید نسخه خطی (ص ۱۰)؛

مدیرزاده، آقای: مجموعه عصر آزاد از آقای مدیرزاده چاپ شیراز (ص ۱۶)؛

مسعود آقا، آقای حاجی میرزا: تفسیر در النظیم [کذا] چاپ طهران (ص ۳)؛ مقیاس المصاییح مجلسی چاپ تبریز (ص ۴)؛ نخبة الاعمال حسین طبرسی نسخه خطی (ص ۴)؛ منتخب الدعوات چاپ تبریز (ص ۴)؛ صحایف الاعمال از طبرسی نسخه خطی (ص ۴)؛ مناقب علی بن ابی طالب چاپ تبریز (ص ۶)؛ کتاب الغیبه شیخ طوسی چاپ تبریز (ص ۶)؛ ینابیع المودة شیخ سلیمان چاپ اسلامبول (ص ۷)؛ قوانین الاصول از میرزا ابوالقاسم قمی چاپ تبریز (ص ۸)؛ شرح لمعه للشهید الثانی چاپ تبریز (ص ۹)؛

مصدق الملک، آقای: شاهنامه خط اولیاء سمیع چاپ بمبئی

وشوق همایون، آقای: مجموعه پیکان از آقای وثوق همایون چاپ طهران (ص ۱۶)؛

هاشم، آقا سید: دیوان اخلط نسخه خطی (ص ۴۴)؛
هاشمی، آقای میرابوالحسن: مجموعه رسملی غزته از قره پت چاپ اسلامبول (ص ۱۵)؛

هدایت الله، آقای میرزا: بحار الانوار سیزدهم چاپ تبریز (ص ۶)؛
براهین الحق سید محمد چاپ تبریز (ص ۷)؛ صراط المستقیم
از محمد اسماعیل چاپ تبریز (ص ۷)؛ کتاب التکمله فی شرح
التبصرة از شیخ اسماعیل تبریزی چاپ تبریز (ص ۹)؛

یوسف قاضی، آقامیرزا: بدایع الاخبار حاجی ملا اسماعیل
سبزواری چاپ تبریز (ص ۶)؛ ذرایع الاحلام فی شرح شرایع الاسلام
از آقای ممقانی چاپ تبریز (ص ۹)؛

از میان مراکز و نهادهای غیر تحقیقی نیز که کتاب هایی را اهدا
کرده اند، می توان از این موارد یاد کرد: «اداره معارف» (بسیاری
صفحات)، «کتابخانه حقیقت» (ص ۲)، «کتابخانه خورشید»
(صص ۳ و ۲۶)، «مجمع ادب» (صص ۳ و ۴۷)، «قرائتخانه خود
کتابخانه» (ص ۳)؛ «ایالت جلیله» که اهداکننده نسخه خطی
انجیل سریانی پوست ماهی دارای ۲۵۵ ورق و مورخ ۱۱۸۰ میلادی
معرفی شده است (ص ۵)؛ «مدیر مدرسه متحده» (صص ۷ و ۱۲)،
«کتابخانه حسینی» (ص ۹، دو بار)، «کتابخانه پرورش» (صص ۱۱ و
۳۲)، «دولت فرانسه» (صص ۱۱ و ۲۰)، «اداره کاوه» (برلین) (صص
۱۲، ۱۳، ۱۵ و ۵۹)، «مدیر جریده اتحاد اسلام» (۱۳)، «کتابخانه
معرفت» (صص ۱۵، ۳۹، ۵۴-۵۷)، «قونسولگری فرانسه» (صص
۱۶، ۲۳، ۲۶ و ۴۵)، «کتابخانه کسرائی» (ص ۱۷)، «وزارت فوائد
عامه» (ص ۵۹)، «مدیر کتابخانه سروش» (ص ۶۲) و «خ. مدیره
مدرسه ناموس» (ص ۶۲).

(ص ۳۱)؛
مصطفی خان: مفتاح الفلاح شیخ بهایی (ص ۴)؛

ملک الشعرا، آقای: مجله نوبهار از آقای ملک الشعرا چاپ طهران
(ص ۱۶)؛

ملکی، میرزا خلیل: تضاعف الاعمال و الاذکار از ابوالحسن چاپ
تبریز (ص ۴)؛ منیه فؤاد المهتدين از همو، چاپ تبریز (ص ۴)؛
شرح صحیفة السجادية [كذا] از سید علی خان کبیر چاپ تبریز
(ص ۴)؛ مناقب خوارزمی چاپ تبریز (ص ۶)؛ السلطه و الحریه
از تولستوی چاپ اسلامبول (ص ۲۷)؛ نوامیس روحیه تطور ملل
چاپ طهران (ص ۲۷)؛

ملهم، آقا میرزا حاجی آقا: ایضاح الاشتباه از حاجی محمد خان
چاپ تبریز (ص ۷)؛

موسی خان زرین، آقای: ایران نامه از لاهوتی چاپ اسلامبول
(ص ۳۱)؛

مهدی ادیب، آقای میرزا: الیواقیت و الجواهر از عبدالوهاب چاپ
مصر (ص ۱۲)؛

مهدی خان (تحویلدار معارف)، آقای میرزا: کتاب البیان فی تفسیر
القرآن از محمد حسن چاپ تفلیس (ص ۳)؛ دیوان رودکی چاپ
طهران (ص ۴۵)؛

ناطق، میرزا جواد خان: مجموعه رعد از آقای سید ضیاء چاپ
طهران (ص ۱۶)؛

نخجوانی، حاجی محمد آقا: توزک امیر تیمور چاپ طهران (ص ۱۴)؛
منشآت السلاطین از فریدون بک چاپ اسلامبول (ص ۴۴)؛

نصرت الدوله، آقای: زاد المعاد مجلسی چاپ تبریز (ص ۴)؛ مفتاح
الکرامه فی قواعد العلامه چاپ مصر (ص ۹)؛ الجامع العباسی
از شیخ بهائی چاپ تبریز (ص ۹)؛ لباب الالباب از محمد عوفی
چاپ لیدن (ص ۳۶)؛

نظام الاسلام، آقای: تفسیر آیه الكرسي سید کاظم رشتی چاپ
طهران (ص ۳)؛ تفسیر سوره واقعه همو چاپ طهران (ص ۳)؛ شرح
الزبارة شیخ احمد احسائی چاپ تبریز (ص ۵)؛ حدائق العارفين
آقا میرزا فضلعلی آقا چاپ تبریز (ص ۷)؛ نور الانوار از علی اصغر
بروجردی چاپ طهران (ص ۷)؛

نوبخت، آقای: مجموعه بهارستان از آقای نوبخت چاپ مشهد و
شیراز (ص ۱۶)؛

منابع

- شیرازه، بهار ۱۳۷۸.
۱۵. خدمتگزاران عالم کتاب، و معرفی برخی از کتابخانه‌های عمومی و خصوصی، از انتشارات اداره کل نگارش وزارت آموزش و پرورش، بمناسبت هفته کتاب، آبان ماه ۱۳۴۵.
۱۶. خلاصه الاشعار وزبدة الافکار، تقی‌الدین ذکری کاشانی، دستنویس کتابخانه ملی روسیه (سالتیکوف شچدرین)، شماره ۳۲۱، کتابت شده تحت نظارت مؤلف، مورخ ۹۹۳ق، ۱۸۵ برگ.
۱۷. دیوان حافظ، تدوین دکتر سلیم نیساری، تهران، سینانگار، ۱۳۷۷.
۱۸. دیوان سلمان ساوجی، با مقدمه و تصحیح استاد ابوالقاسم حالت، به‌کوشش احمد کرمی، تهران، نشریات «ما»، ۱۳۷۱.
۱۹. دیوان سیف فرغانی، با تصحیح و مقدمه دکتر ذبیح‌الله صفا، تهران، فردوسی، چاپ دوم، ۱۳۶۴.
۲۰. دیوان فرید اصفهانی (اسفرائینی)، به‌اهتمام و تصحیح دکتر محسن کیانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
۲۱. دیوان کبیر، کلیات شمس تبریزی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی موزه مولانا در قونیه، تاریخ کتابت: ۷۶۸-۷۷۰ق، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه در ایران، ۱۳۸۶.
۲۲. زنگی نامه، شش رساله و مقامه و مناظره، محمد بن محمود بن محمد زنگی بخاری، به‌کوشش ایرج افشار، تهران، توس، ۱۳۷۲.
۲۳. الشقائق النعمانية فی علماء الدولة العثمانية، عصام‌الدین احمد طاشکبری زاده، تصحیح و تحقیق: سید محمد طباطبائی بهبهانی «منصور»، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
۲۴. عرفات العاشقین و عرصات العارفین، تقی‌الدین محمد اوحدی حسینی دق‌قایی بیانی اصفهانی، تصحیح: ذبیح‌الله صاحب‌کاری، آمنه فخر احمد، با نظارت علمی: محمد قهرمان، تهران، میراث مکتوب، با همکاری کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹، ج ۵.
۲۵. «علامه محمد قزوینی»، حبیب یغمائی، یغما، س ۳، ش ۵، مرداد ۱۳۵۶، مسلسل ۳۴۷، صص ۲۸۷-۲۸۹.
۲۶. غزلیات شمس تبریز، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، مقدمه، گزینش و تفسیر: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ج ۱.
۲۷. فرهنگ سخنوران، دکتر ع. خیام‌پور (تاهباززاده)، تهران، طلایه، ۱۳۶۸، ج ۱.
۲۸. فهرس التواریخ، رضاقلی خان هدایت، به تصحیح و تحشیه: دکتر عبدالحسین نوائی، میرهاشم محدث، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳.
۲۹. فهرس المخطوطات الفارسیة التي تفتنہا دارالکتب حتی عام ۱۹۶۳م، [نصرائه مشر الطرازی]، القاهرة، مطبعة دارالکتب، ۱۹۶۶، ج ۲.
۳۰. فهرس مخطوطات مکتبه کوپریلی، اعداد: رمضان ششن- جواد ایزکی- جمیل آقیکار، تقدیم: اکمل‌الدین احسان‌اوغلی، استانبول، مرکز الأبحاث للتاریخ و الفنون و الثقافة الإسلامية باستانبول، منظمه المؤتمر الإسلامي، ۱۴۰۶ق، ج ۳.
۳۱. فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه فاح (استانبول)، سید محمدتقی حسینی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.
۳۲. فهرست کتابخانه دولتی تربیت تبریز، کتب خطی، محمد نخجوانی، تبریز، چاپخانه شفق، ۱۳۲۹.
۳۳. فهرست کتابخانه سپهسالار، محمدتقی دانش‌پژوه- علینقی منزوی، تصحیح و تجدیدنظر بوسیله علینقی منزوی، چاپخانه دانشگاه تهران،
۱. «اشعار نویافته ابن‌سینا»، سهیل یاری گل‌دژه، کتاب ماه ادبیات، بهمن ماه ۱۳۹۲، پیاپی ۱۹۶، صص ۴۱-۴۴.
۲. انیس الوحده و جلیس الخلوة، محمود بن محمود بن علی الحسنی^۱ «گلستانه»، تحقیق و تصحیح: دکتر مجتبی مطهری، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
۳. همان، دستنویس کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، شماره ۱۲۰۳۹، احتمالاً متعلق به سده هشتم هجری^۱.
۴. «بررسی انتساب شش غزل از دیوان کبیر به مولوی»، محمدیوسف نبیری- الهام خلیلی جهرمی- شیرین رزمجو بختیاری، پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گوینا)، س ۱۱، ش ۳، پاییز ۱۳۹۶، پیاپی ۳۴، صص ۱-۱۸.
۵. تاج‌المآثر، صدرالدین حسن نظامی نیشابوری، به مقدمه، تصحیح و تعلیق: دکتر مهدی فاموری- دکتر علیرضا شادآرام، یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج، ۱۳۹۱.
۶. تاریخ خانی، شامل حوادث چهل ساله گیلان، علی بن شمس‌الدین بن حاجی حسین لاهیجی، تصحیح و تحشیه: دکتر منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
۷. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴، ج ۱.
۸. تذکره الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، بتحقیق و تصحیح محمد عباسی، از روی چاپ براون با مقابله نسخ معتبر خطی قدیمی، تهران، کتابخانه بارانی، ۱۳۳۷^{۱۲}.
۹. تذکره‌ی شعرای معاصرین دارالایمان قم، علی‌اکبر فیض، مقدمه و تصحیح: دکتر علیرضا فولادی، تعلیقات: فهارس: رقیه فراهانی، قم، نور مطاف، بنیاد قم‌پژوهی با همکاری کتابخانه‌ی بزرگ و گنجینه‌ی مخطوطات اسلامی حضرت آیه‌الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۱۰. تشیع و ولای اهل بیت (ع) در ادب فارسی قدیم (جنگ عبدالکریم مداح، مورخ ۸۴۹ق)، به‌کوشش امینه محلاتی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۱. توفیق، روزنامه نگار و مجموعه دار ایرانی در استانبول (به‌انضمام فهرست کتابخانه خصوصی او)، جواد بشری، تهران، ورافان، بهمن ۱۳۹۶.
۱۲. «چیده چیده از سفر پاکستان (معرفی سی و شش نسخه خطی)- بخش دوم»، ایرج افشار، یغما، س ۲۷، ش ۳، ۱۳۵۳، مسلسل ۳۰۹، صص ۱۵۶-۱۶۱.
۱۳. حلیمی و فرهنگ‌هایش، محسن ذاکر الحسینی، تهران، نامه فرهنگستان، ضمیمه شماره ۱۸، دی ۱۳۸۳.
۱۴. خاطرات ابوالقاسم کسمائی، به‌کوشش ایرج افشار- کاوه بیات، تهران،
۹۰. چنین است انتخاب کوشنده متن چاپی، در حالی که در برخی نسخه‌های دیگر، «حسینی» آمده و گزینش صحیح نیز گویا بایستی همان باشد.
۹۱. درباره این دستنویس، رک: «زنگی در انیس الوحده»، جواد بشری، میراث شهاب، س ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، پیاپی ۴۹-۵۰، صص ۲۱-۳۰. مصحح متن چاپی، تصویری از این دستنویس بسیار زنده را، در انتهای چاپ خویش عرضه کرده (انیس الوحده، چاپ مجلس، صص ۵۳۱-۵۳۲)، ولی گویا کمترین بهر را از آن برده است. برای یک نمونه بسیار خرد از میان بی‌توجهی‌های پر شمار او به محتویات این دستنویس، تنها اشاره می‌شود به عدم نقل تعداد زیادی شعر فارسی، از باب هشتم، از جمله اشعاری از مجد همگرو دیگران، که حائز اهمیت است و شاید در یادداشتی دیگر، به آن پرداخته شود.
۹۲. تاریخ اتمام حروفچینی متن، مذکور در ص ۶۱۰، و تاریخ انتهای مقدمه (اردیبهشت ۱۳۳۷).

۴۴. ۱۳۴۶، ج ۴.
۳۴. فهرست کتب کتابخانه و قرائتخانه دولتی تربیت، از مؤسسات میرزا محمدعلی خان تربیت، رئیس ایالتی معارف و اوقاف آذربایجان، تبریز، مطبوعه امید، سیچقان نیل / ۱۳۴۳ هجری / ۱۳۰۳ شمسی.
۳۵. «فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه لس آنجلس»، محمدتقی دانش‌پژوه، نشریه نسخه‌های خطی، زیر نظر محمدتقی دانش‌پژوه - اسماعیل حاکمی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۲، ج ۱۱-۱۲، صص ۱-۷۷۲.
۳۶. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی، با همکاری محمدعلی صالحی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۹۱، ج ۴۱.
۳۷. همان، سید محمود مرعشی، با همکاری میر محمود موسوی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۹۲، ج ۴۲.
۳۸. همان، سید محمود مرعشی، با همکاری سید محمد اصفیائی - محمدعلی صالحی، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۹۴، ج ۴۳.
۳۹. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، رضا استادی - صادق حسن زاده - محمود طیار مراغی، قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۸۹، ج ۳.
۴۰. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی عشق آباد ترکمنستان، سیف الله مدبتر، زیر نظر سید محمود مرعشی نجفی، قم، کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۹.
۴۱. قم در قحطی بزرگ ۱۲۸۸ قمری، جان گرنی - منصور صفت گل، قم، کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۸۷.
۴۲. «کاغذنامه (انشای ادبی در تهیه کاغذ پنبه‌ای)»، تصنیف عزالدین مطلعی، ویراست: بهروز ایمانی، در: اوراق عتیق، مجموعه مطالعات متن پژوهی، نسخه شناسی و فهرست نگاری، به کوشش سید محمد حسین حکیم، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲، ج ۳، صص ۱۵-۳۰.
۴۳. کتاب الکشکول، بهاء الدین محمد عاملی، به اهتمام نجم الملک، چاپ سنگی، طهران، ۱۲۹۶ ق.
۴۴. کتاب شناسی آثار مربوط به قم، [دکتر حسین] مدرسی طباطبائی، مآخذ تحقیق درباره قم، قم، چاپ حکمت، آذرماه ۱۳۵۳.
۴۵. کلیات شمس یا دیوان کبیر، مولانا جلال الدین محمد مشهور بمولوی، با تصحیحات و حواشی بدیع الزمان فروزانفر، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۷۸، ج ۲.
۴۶. گنجینه‌های دستنویس‌های اسلامی در ایران، هادی شریفی، ترجمه، تصحیحات و افزوده‌ها: احمد رضا رحیمی ریس، تهران، مؤسسه نشر فهرستگان - کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹.
۴۷. «مآخذ احوال علی اکبر فیض قمی و آثارش» [به عنوان پیوست رساله «اخلاق معزی»]، جواد بشری، در: متون ایرانی، به کوشش جواد بشری، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ج ۱، صص ۵۰۲-۵۱۳.
۴۸. مجموعه شعری، کتابخانه فاتح (استانبول)، شماره ۴۰۷۱، اواخر سده نهم یا اوایل سده دهم هجری، ۲۴۱ برگ.
۴۹. محمدعلی تربیت، مجید غلامی جلیسه، مشاهیر کتابشناسی معاصر ایران - ۲، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۴.
۵۰. معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم (المخطوطات و المطبوعات)، علی الرضا قره بلوط - احمد طوران قره بلوط، قیصری (ترکیا)، دارالعقبه، بی تا، ج ۶.

۹۳. از قرار معلوم، نسخه‌های این کتابچه پراهمیت، به سبب آنکه در بخش تصاویر آن، اشکالی فنی بروز کرده بود، به فاصله اندکی از انتشار، خمیر شد.